



انترناسیونال ۳۶۹

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۶ مهر ۱۳۸۹، ۸ اکتبر ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

سوال گنجی و معضل ملی اسلامی ها



کاظم نیکخواه

يك نقطه قوت جنبش ملی اسلامی اینست که چهره و شخصیت شناخته شده نسبتاً زیاد دارد. آدمهای زیادی را میتوان اسم برد که از رهبران این جنبش هستند و اکثر مردم در ایران با نام آنها آشنا هستند. موسوی، خاتمی، کروبی، سروش، کدیور، گنجی، و بسیاری دیگر. همین کمک میکند و در واقع بهانه ای است که رسانه هایی مثل "بی بی سی" و "سی ان ان" و نهادهای بین المللی هم قماش آنها مدام میکروفون جلوی اینها بگذارند و برای آنها که در خارج هستند سمینار و سخنرانی بگذارند و صدایشان را پژواک دهند. اما منشأ شهرت همه این شخصیتها در عین حال نقطه ضعف جدی و مهلك جنبش ملی اسلامی است. تمام این شخصیتها شهرتشان را از آنجا که از دست اندرکاران و از سران حکومت منفور اسلامی بوده اند کسب کرده اند. اینجاست که مدام با این معما مواجه میشوند که چگونه شهرت خود را حفظ کنند، اما سابقه یا کارنامه خود را لاپوشانی کنند. و در تلاش برای این کار همانگونه که قابل انتظار است اکثراً با ناکامی مواجه میشوند. اکبر گنجی یکی از این شخصیتها و شاید مشهورترینشان باشد. او اخیراً يك سخنرانی در کلیسایی در کلن برگزار کرد و نکاتی مطرح کرد و سوالاتی را طرح نمود که يك نکته اش از این نظر جالب بود. او جمهوری اسلامی را با نازیسیم مقایسه میکند که تا آنجا که از نظر توحش و بیرحمی در کشتار و تبعیض و زندان و شکنجه و امثال اینها بر میگردد مقایسه نسبتاً بجایی است. اما او منظورش از این مقایسه يك نتیجه

صفحه ۳

گامی به سمت بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی

حمید تقوایی

دولتهای غربی اساساً تحت فشار افکار عمومی و اعتراضات مردم و نیروها و سازمانهای مترقی در این کشورها، که بدنبال خیزش انقلابی اخیر و بویژه کمپین جاری در دفاع از سکینه محمدی آشتیانی و علیه سنگسار در يك سطح گسترده به اعتراض به صفحه ۲

"ما در مورد مساله زن از دنیا طلبکاریم"

سهیلا شریفی

مجتهدی زاده رئیس "مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری اسلامی" گفته است که جمهوری اسلامی قصد دارد يك مجلس جهانی برای "حفظ کرامت و جایگاه واقعی زن" در ایران راه خبرگزاری ایونا آمده مریم

صفحه ۸

دست تروریستها از سلاح هسته ای کوتاه،

همه تروریستها!

احمد فاطمی

در آغاز این هفته گزارش تصویری تکان دهنده ای از عواقب استفاده ارتش آمریکا از تسلیحات هسته ای در عراق، در يك نشریه اینترنتی استرالیایی منتشر شد. گزارشی را که می خوانید با استفاده از آن منبع صفحه ۶

بازتاب هفته

در حاشیه اظهارات رئیس جمهور آلمان در باره اسلام

محمد شکوهی

برای جمهوری اسلامی شرایط فراهم نیست

بهرروز مهر آبادی

طوفان در چهار راه استانبول، آغاز بحران یارانه ای

غلام اکبری

جایزه نوبل، لقاچ مصنوعی و مذهب

غلام اکبری

صفحات ۵-۴

بیانه علیه اعدام

بمناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام



اعدام قتل عمد دولتی است و در همه جای دنیا باید مطلقاً ممنوع شود. لغو مجازات اعدام و ارزش نهادن به جان انسان، اولین گام در مبارزه با فرهنگ آدمکشی در جامعه است. مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است، چون يك نهاد سیاسی، با اعلام قبلی، از قول

صفحه ۸

آکسیونهای روز جهانی علیه اعدام، صفحه ۱۰

وضعیت بیمارستانها و شرایط کمر شکن کار پرستاران

شهلا دانشفر

تعرضی تکان دهنده به پرستاران بیمارستان ها در تهران است. این اخبار نه فقط تعرض و فشار بر اسلامی گویای فشاری سنگین و صفحه ۱۲

در حاشیه اولین دادگاه متهمین کوی دانشگاه

بهرروز مهر آبادی

خرداد ۸۸ آغاز شد. گفته شده است که ۱۷ نفر دیگر هم بزودی در دادگاه دوم دادگاه نظامی تهران محاکمه غیر علنی ۲۷ نفر از متهمان جنایات کوی دانشگاه تهران در صفحه ۹

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۷

صفحات دیگر

معضل "برنامه پنجم" حل شدنی نیست

بهرروز مهر آبادی، صفحه ۱۲

دستمزدهای پرداخت نشده، بیکارسازیهها و اعتراضات کارگری، صفحه ۱۱

اعتصاب کارگران شرکت کرپ ناز هرسین کرمانشاه، صفحه ۶

تظاهرات هزاران نفره در شهرهای مختلف در سوئد، صفحه ۱۱

ادامه اعتصاب و اعتراض کارگران کیان تایر

صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



جمهوری اسلامی علنا اعلام داشته اند.

این حرکت میتواند به بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی منجر بشود. طرد و منزوی کردن جهانی جمهوری اسلامی، یعنی آفریقای جنوبیزه کردن آن در سطح بین المللی، خواست توده مردم و جزئی از استراتژی سرنگون کردن رژیم بقدرت انقلاب مردم است و تحولات اخیر در عرصه دیپلماسی بین الملل نشان میدهد که این يك خواست و هدف عملی و در دسترس است. باید گامهای عملی که به تحریم جمهوری اسلامی منجر میشود را دقیقاً تعیین کرد و مردم و نیروهای سیاسی را حول آن بسیج نمود. تحریم بخشی از جنایتکاران حاکم بر ایران گام اول است. نه تنها تعدادی از جانیان حاکم بلکه همه مقامات و سران جمهوری اسلامی از جمله و بویژه خامنه ای و احمدی نژاد باید تحریم و محکوم شوند، باید سران رژیم و همه آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته تحت پیگرد قرار بگیرند و در دادگاههای بین المللی محاکمه کشیده شوند، حسابهای بانکی همه مقامات رژیم باید در همه کشورها مسدود شود و بعد از سرنگونی حکومت بمردم ایران مسترد گردد، مقامات جمهوری اسلامی باید از همه نهادهای بین المللی اخراج شوند، سفارتخانه های رژیم در همه کشورها باید تعطیل بشود و بالاخره جمهوری اسلامی نباید از جانب هیچ دولت و نهادی بعنوان حکومت ایران برسمیت شناخته شود. اینها گامهای مشخص عملی است که باید در دل يك کارزار بین المللی و بر زمین مساعدی که خیزش انقلابی مردم و بدنبال آن کمپین جهانی علیه سنگسار در چند ماه اخیر بوجود آورده به پیش برداشت. هر يك از این خواستها میتواند به گفتمان و موضوع روز رسانه ها، نیروها و شخصیتهای سیاسی مترقی و آزادیخواه در دنیا و افکار عمومی مردم جهان تبدیل شود و چون اهرم فشاری بر دیپلماسی بین المللی و روابط دولتها با جمهوری اسلامی بکار گرفته شود. کمپین بین المللی برای نجات سکینه و علییه سنگسار تا همینجا دستاوردهای زیادی در این جهت داشته است. تا

از صفحه ۱

گامی سمت بایکوت سیاسی ...

حمید تقوایی

جنایات رژیم و حمایت از مبارزات مردم ایران برخاسته اند، به این سمت سوق یافته است. بعبارت دیگر این موضع گیریها نه در ادامه دیپلماسی و جهت گیری تا کنونی خود این دولتها، بلکه تحت فشار خیزش انقلابی مردم صورت میگردد. نیروی محرکه این جهت گیری مبارزات توده ای و خیابانی و ابتکار عمل نیروهای چپ و انقلابی است و بهمین دلیل میتوان این اعمال فشار را تا تحریم کامل حکومت اسلامی به پیش برد. تاثیرات این فشار خیابان بر کربدرهای قدرت را قبلاً در موضع گیریهای مقامات و دولتهای برزیل، انگلیس، آلمان، نروژ، ایتالیا، ترکیه و چند کشور دیگر نیز شاهد بوده ایم. و این روند در صورتی ادامه خواهد یافت که فشار افکار عمومی و اعتراضات سازمانها و نیروهای مترقی علیه جنایات جمهوری اسلامی و در حمایت از قربانیان رژیم و مبارزات مردم ایران نه تنها ادامه پیدا کند بلکه شدیدتر و گسترده تر و رادیکال تر بشود.

روشن است که دولت آمریکا و سایر دولتهای غربی در برخورد به حکومت اسلامی اهداف و شیوه های ویژه خود را دارند. هدف آنها سربراه و رام کردن جمهوری اسلامی در چارچوب سیاستهای جهانی و منطقه ای غرب (توقف پروژه هسته ای رژیم، عدم دخالت در کشورهای منطقه، عدم حمایت از تروریسم اسلامی و کل جنبش اسلام سیاسی و غیره) و شیوه آنها تحریم اقتصادی و تهدید حمله نظامی، و در نهایت دست زدن به این حمله است. در مقابل توده مردم و نیروهای سیاسی چپ و مترقی در ایران و در جهان نیز اهداف و شیوه های خود را دارند. خواست و هدف آنها سرنگونی جمهوری اسلامی و شیوه آنها شکل دادن به يك انقلاب توده ای علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی است.

وجود این دو آلترناتیو در عرصه سیاست ایران امر تازه ای نیست. آنچه جدید است این واقعیت است که طی یکسال گذشته شرایط سیاسی جهانی به نفع اهداف و راه حل رادیکال و

چند ماه قبل کمتر کسی تصور میکرد که دولت برزیل به يك محکوم به سنگسار در ایران پناهندگی بدهد یا رئیس جمهور فرانسه دفاع از جان او را يك وظیفه ملی اعلام کند و با شهردار ایتالیا عکس او را بر دیوارهای رم بیاویزد. کمتر کسی تصور میکرد اتحادیه اروپا با تفاق آرا علیه سنگسار قطعنامه صادر کند و دفاع از سکینه محمدی به يك موضوع داغ انتخابات ریاست جمهوری در برزیل تبدیل بشود. همه اینها اتفاق افتاد چون افکار عمومی و رسانه ها و مردم جهان علیه

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
 - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۳- لغو مجازات اعدام
 - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
 - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
 - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تامین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستهای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

سوال گنجی معضل ...

از صفحه ۱

گیری و سوال جالب بود. او میگوید "پرسش آلمانی‌ها این بود و هست: چه شد که ملتی به دنبال هیتلر راه افتاد و فجایعی چون آشویتس را خلق کرد؟". و بعد میگوید "پرسش ما هم این است: چرا یک ملت به دنبال آیت الله خمینی رفت؟ چرا ملتی درگیر فرایند باطل خشونت شد و به سیاه چاله‌ی خشونت و رزی سقوط کرد؟ چرا "تسخیر خشونت آمیز دولت" به گفتن مسلط تبدیل شد؟ چرا همه، جز نوادری، خواهان اعدام فوری زمامداران پیشین- با نادیده گرفتن کلیه‌ی ضوابط دادرسی عادلانه- بودند؟ چرا کشور هشت سال درگیر جنگی شد که صدها هزار کشته و معلول به ارمغان آورد و میلیونها تن در این خود ویرانگری ملی مشارکت فعال داشتند؟ اسم این راه فقط میشود شارلاتانیسم و خر مردردنی گذاشت. ظاهرا سوالات بجا و رادیکالی است. گنجی خود جوابی به این سولات نمیدهد. و قرار هم نیست سوال را جواب دهد. بلکه دقیقا با رندی ای که ویژه شخصیت‌های اینچینی است تلاشش اینست که صورت مساله را جا بیندازد که "ملتی پشت سر خمینی راه افتاد و به خود ویرانگری مشغول شد". نکته دقیقا اینست که سوال را به شونده قالب کند. گویا همه مردم به دنبال خمینی افتاده اند و به "خود ویرانگری" مشغول شده اند و خشونت آفریده اند! اگر شما همین سوال را از ایشان قبول کنید دیگر مشکل گنجی و دیگر شخصیت‌های شخیص جنبش ملی اسلامی حل است. مهم نیست که به این سوال چه جوابی میدهید. مردم همه بدنبال خمینی راه افتاده اند و در نتیجه بر گنجی و سایرین هم حرجی نیست. آنها هم در کنار مردم و بخشی از همین مردم بوده اند! راه حل معضل را گنجی این دیده است که همه مردم را پایین بکشد و در کنار خود قرار دهد و دستشان را در دست حکومت بگذارد و به این ترتیب معضل را حل کند. گنجی به عمد کشتار و سرکوب وسیع و سازمان یافته زنان را که با تیغ و اسید و چاقو و لشکر کشی و توحش اوباش و لمپنهای اسلامی مجبورشان کردند حجاب سر کنند و هنوز هم این جنگ

پهلوی نکردند یا از انجام آن ناتوان بودند، در کمال بی پروایی انجام دادند، و برای آن انواع توجیه های دینی و غیردینی تراشیدند" اما وقتی که به عمق تفکر گنجی و شخصیهایی امثال او دقیق میشوی همان جنبش ضد انقلاب اسلامی را مشاهده میکنی. یادمان نرفته است که گنجی درست در اوج تظاهراتهای میلیونی سال گذشته و شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای، سروکله اش پیدا شد و در مصاحبه ای با یکی از همین رسانه های نان به نرخ روز با گفتن اینکه "سرنگون کردن جمهوری اسلامی به صلاح نیست و اگر این حکومت سرنگون شود اوضاع بدتر میشود" نگرانی جدیش را از خطر سقوط حکومت اسلامی ابراز کرد. او در همین سخنرانی رمز اپوزیسیون شدن کل این شخصیت‌های کذایی ملی اسلامی را که اکنون دوست دارند آنها را نه وزیر و بنیانگذار سپاه پاسدار و نماینده مجلس اسلامی و امثال اینها، بلکه فیلسوف و نویسنده و فعال سیاسی بنامند، برملا کرد. او در مورد وضعیت جامعه گفت "بیش از ۷۰ درصد جمعیت کشور زیر ۳۵ سال سن دارند. اکثریت این نسل پس از انقلاب به دنیا آمده اند. رژیم جمهوری اسلامی در تحمیل نظام ارزشی خود به این نسل کاملا شکست خورده است... سبک‌های زندگی، شعارها و مطالبات این نسل؛ با سراپای این رژیم در تعارض قرار دارد." این دقیقا رمز کنده شدن بخشهایی از حکومت و پرتاب شدنشان به صف اپوزیسیون است. اگر این حکومت در معرض و توحش علیه مردم و همین جوانان و تحمیل ارزشها و سنتهای اسلامی موفق میشد، بدون تردید خیلی از اینها هنوز مشغول کسب و کار غیر شرافتمندانه قبلی بودند. اکنون نیز که به صف اپوزیسیون پیوسته اند، ارزش مصرفشان بطور واقعی تا زمانی است که حکومت سرکار است، وقتی که جمهوری اسلامی با انقلاب مردم سرنگون شود، اینها نیز باید فکر دیگری برای خویش بکنند و آینده ناروشنی در انتظارشان است. اینجاست که به این برزخ دچار شده اند که در فضای سرنگونی طلبی عمیق مردم و فضای انقلابی علیه حکومت، به نعل و به میخ میزنند. هم علیه

چند خبر از اعتراضات دانشجویان

حضور علی لاریجانی در دانشگاه مازندران با تدابیر امنیتی

مازندران با خطاب قرار دادن "رئیس مجلس فرمایشی اسلامی" او و دیگر مقامات رژیم را به عبرت گرفتن از تاریخ تشویق کرده و تجربه ی تلخ حکومت های استبدادی و ستمگر را یادآور شدند.

روز یکشنبه ۱۱ مهرماه علی لاریجانی، رئیس مجلس جمهوری اسلامی، در جو به شدت امنیتی دانشگاه مازندران در همایشی به مناسبت بازگشایی دانشگاه حضور یافت. در حالی که این مراسم ساعت ۱۶ روز یکشنبه برگزار شد، خیابان های اطراف دانشگاه مازندران از ساعات اولیه صبح محل حضور چشمگیر پلیس و نیروهای بسیجی بود. به گزارش منابع آگاه ما در این دانشگاه چند تن از فعالین دانشجویی دانشگاه مازندران در هنگام ورود به دانشگاه با هشدار و تهدید مسئولین حراست رو به رو شدند. همچنین کلاسهای نوبت بعد از ظهر کلیه ی دانشکده ها در ساعات ۱۵ و ۱۷ تعطیل شدند.

صدور بیانیه ای اعتراضی از سوی فعالین دانشجویی دانشگاه مازندران

گروهی از فعالین دانشجویی دانشگاه مازندران به سبب حضور رئیس "مجلس فرمایشی" در این دانشگاه، بیانیه ای اعتراضی صادر کردند. در بخشی از این بیانیه آمده است: "بار دیگر حضور یکی از مقامات و مسئولین حکومتی در دانشگاه، بهانه ای برای نظامیان و لمپن های لباس شخصی به دست داد تا با ایجاد فضای رعب و وحشت در دانشگاه در ابتدای سال تحصیلی جدید، برای قشر آگاه دانشجویان تداعی گر دوره جدیدی از سرکوب سیستماتیک باشند" در بخش دیگری از این بیانیه دانشجویان دانشگاه

دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل در اعتراض به پروژه دفن کشته شدگان جنگ در این دانشگاه

دانشجویان دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل با صدور بیانیه ای به پروژه امنیتی دفن دو تن از کشته شدگان جنگ در این دانشگاه اعتراض کردند. جمهوری اسلامی با تبدیل کردن دانشگاهها به گورستان تلاش دارد حلقه ای برای ورود اوباش حزب الهی به دانشگاهها و ایجاد فضای حکومتی ایجاد کند.

دانشجویان دانشگاه شیراز زیر بار پرکردن فرم بسیج رفتند

امسال در دانشگاه شیراز برای دانشجویان محدودیتهای زیادی در نظر گرفته شده از جمله اجبار برای پوشیدن چادر و مقنعه و مانتوهای بلند برای دختران دانشجو، پوشیدن لباس آستین بلند برای دانشجویان پسر بنحوی که حتی پوشیدن تی شرت و پیراهن آستین کوتاه جرم محسوب میشود. از کلیه دانشجویان خواسته شده بود که فرم ثبت نام در بسیج را پرکنند که کسی زیر بار نرفته است. به نقل از نشریه جوانان کمونیست شماره ۴۷۵

یعنی عدم خشونت" را همه میدانند که فقط شارلاتانیسم و در خدمت حفظ همین حاکمین و نظام بسیار منفور است. شما هم شرافتمندانه ترین کاری که میتوانید بکنید اینست که حداقل در قامت عنصری در اپوزیسیون در حرکت انقلابی مردم برای پایین کشیدن این حکومت مانع تراشی نکنید.*

سران حکومت حرف میزنند و هم طوری حرف میزنند که از کلیت نظام دفاع کرده باشند. به اینها باید گفت که باور کنید که نفس توحش و سرکوبگری برادران سابق شما در حکومت، راهی جز انقلاب کردن و قیام کردن و به زور به زیر کشیدن این ماشین جنایت برای کارگران و مردم باقی نگذارده است. باور کنید آن بازی و عبارت پردازی "مسالمت آمیز

زنده باد سوسیالیسم!

بازتاب هفته

جایزه نوبل، لقاح مصنوعی و مذهب



غلام اکبری

اما از طرف دیگر مرتجعین مذهبی حتی هنوز هم از بیان ناراضیاتی شان از روش لقاح مصنوعی ابا ندارند. اسقف "اینگاسیو کاراسکودا پاولا" رئیس آکادمی حق حیات در واتیکان در همین رابطه گفته است که: این قابل پذیرش نیست که کمیته نوبل جایزه پزشکی را به ایشان داده است. جالب است که اسقف مزبور تلاش میکند که پز انسان دوستی هم بگیرد و میگوید "در بهترین حالت جنین ها به رحم منتقل میشوند، اما بیشتر آنها احتمالا از بین میروند و این مشکلی است که مسئول آن برنده جدید جایزه نوبل است." واقعا وقاحت هم حدی دارد. اینها از اینکه کودکانی تازه با روشی تازه متولد شده اند مشکل داشتند اما حالا رفته اند سر خود را خاراندند و فکر کرده اند و به این رسیده اند که از این سر وارد شوند که تعدادی جنین ممکن است از بین بروند! یک موضع الهی دیگر هم جالب است. هفته گذشته یعنی ۴ مهر ماه بود که خبرگزاری ایسنا در مصاحبه ای با حجت الاسلام مرقاتی، عضو کمیته اخلاق پزشکی پژوهشگاه رویان درباره درمان نازائی با روش های لقاح مصنوعی گفت: "در واقع در روش های آزمایشگاهی نیز همانند حالت طبیعی این اراده خداوند است که بر این امر قرار می گیرد که اسپرمی با تخمک لقاح انجام دهد یا نه. ... مثال دیگر در زمینه دو یا چند قلوژیایی است. به عنوان نمونه از سه جنینی که به رحم منتقل می کنند، گاهی هر سه می گیرند و سه نوزاد به وجود می آید و گاهی دوقلو و گاهی فقط یکی از آنها به تولد منجر می شود و برخی اوقات هر سه آنها دفع می شوند. این جا هم تنها اراده و خواست خداست که حاکم می شود." به اینها باید گفت بشر بر اساس علم عمل میکند شما مرتجعین هم مجازید که بروید زور بزنید و طبق معمول همیشه هر رویداد علمی را با خرافات عهد عتیق و آیات و کرامات توجیه کنید. اما پشت سر خود را نگاه کنید ببینید با هر کشف علمی و با هر توجیه مسخره ای از این دست چند هزار نفر پشت دین و خرافه را خالی میکنند. در یکی از سایتهای پزشکی که خبر اهدای جایزه پزشکی سال ۲۰۱۰ به دکتر ادواردز اعلام شده بود و خبر مخالفت واتیکان هم درج شده بود خوانندگان پیام های زیاد و

جالبی در حمایت از دکتر ادواردز و تمسخر مذهب و کلیسا گذاشته بودند. گفتنی است که در این روش لقاح مصنوعی يك تخمک از رحم زن برداشته میشود و در آزمایشگاه با اسپرم مرد مخلوط میشود تا عمل لقاح صورت گیرد. بعد از بارور شدن، تخمک به رحم بازگردانده میشود. طی این سی و چند سال هم روش و تکنیک لقاح مصنوعی پیشرفت کرده است. از جمله امروزه اسپرم به کمک سرنگ به تخمک تزریق میشود و همچنین با کمک آزمایش سونوگرافی، تخمکی آماده زن به کمک سرنگهای مخصوص برداشته میشود که در مجموع شانسی وجود آوردن جنین خیلی بیشتر شده است.*

طوفان در چهار راه استانبول، آغاز بحران یارانه ای

-شنبه ۱۰ مهر روزنامه آفتاب: "بازار ارز داخلی از روز پنجشنبه به طور کامل در حالت تعطیلی قرار دارد. عدم مبادله ارز در این بازار عامل اصلی تعطیلی چندروزه بازار داخلی ارز بوده است. یکی از صرافان در این زمینه گفت: پیش بینی می شود که رکورد قیمت دلار که روز پنجشنبه به ۱۳۰۰ تومان رسید، بار دیگر شکسته شود. بازار ارز داخلی کاملاً مبهم و پرتلاطم است؛ چرا که در حال حاضر خریداران دلار به امید افزایش بیش از پیش قیمت آن، اقدام به فروش ارز و دلار نکردند."

۱۳ مهر- احمدی نژاد در استان گلستان گفت: "با تبلیغات سعی کردند در بازار ارز اختلالی ایجاد کنند و ارز ۱۰۰ تومان گرانتر شود و به بهانه آن بازار صادرات و واردات دچار مشکل شود. دولت بر اوضاع مسلط است و اگر تقاضای ارز در بازار ۵۰ برابر امروز هم شود، الحمدلله آنقدر ذخیره وجود دارد که سالها کشور به خوبی اداره خواهد شد."

این سخنان تنها برای توجیه کردن اوضاع در هم ریخته بازار ارز ایران است. در حالیکه بعد از تلاش چند روزه دولت و بانک مرکزی باعرضه و فروش وسیع ارز به منظور ایجاد آرامش در بازار پولی همانگونه که در خبر اول ملاحظه میشود نتیجه ای حاصل نشده است. به گفته کارشناسان طی ۱۰ سال گذشته بازار ارز ایران به -چهارشنبه ۱۴ مهر: گزارش

خبرنگار دنیای اقتصاد از خیابان فردوسی تهران حاکی است، برخی از صرافی های مجاز به دلیل ازحام بیش از حد متقاضیان برای خرید دلار ترجیح داده اند صرافی های خود را تعطیل کرده یا از دریافت دلار از صرافی بانک ها برای فروش آن به خریداران خودداری کنند. برخی از صرافی ها که زحمت پاسخگویی به خریداران ارز را به خود داده بودند دلار را تا سقف ۲۰۰۰ دلار با قیمت ۱۰۸۰ تومان به فروش می رسانند. پرداخت این میزان دلار تنها با ارائه کارت ملی افراد امکان پذیر بود. صرافی های مجاز نیز دیروز می توانستند دلار را تا سقف ۱۰۰ هزار دلار و قیمت ۱۰۷۸ تومان از صرافی بانک ملی دریافت کنند. نکته قابل توجه در يك اطلاعیه صرافی بانک ملی این بود که پیش بینی شده بود قیمت دلار امروز، چهارشنبه، به مبلغ ۱۰۶۵ تومان عرضه شود."

هفته گذشته ارزش دلار در بازار جهانی نزول کرد اما در بازار ارزی ایران یکباره بالا رفت. علت و یا علل این افزایش قیمت و بحران ارزی که بی سابقه طی ۱۰ سال گذشته خوانده شد چیست؟ روزنامه آفتاب ۱۴ مهر نوشت: "بحران ارزی اخیر که از قطع همکاری بانک های دبی و عدم تحویل ارز به فعالان اقتصادی کشورمان آغاز شد افزایش بیش از ۱۰ درصدی نرخ دلار، یورو و درهم امارات به عنوان ارزهای اصلی کشور را در پی داشت. در اثر این تحولات و افزایش نرخ ارزها؛ کمبود شدیدی در بازار ایجاد شد و هجوم سفته بازان و دلان و بخشی از مردم برای خرید ارز با اهداف سود بردن و حفظ ارزش پول خود و رفع نیازهای خود در آینده، تلاطم شدیدی در بازار ایجاد کرد." طی بحران ارزی اخیر ذخایر ارزی ایران ۱۰ میلیارد دلار کاهش پیدا کرد. "چرا که: بانک مرکزی برای جلوگیری از افزایش بیش از حد نرخ ارزها و تأمین نیاز وارد کنندگان و متقاضیان ارز اقدام به فروش ذخایر ارزی و طلای خود نمود و در چند مرحله قیمت فروش را از ۱۰۹۵ تومان در هر دلار تا ۱۰۷۰ تومان کاهش داد اما نتیجه این کار کاهش ذخایر ارزی کشور و بانک مرکزی بود که خطرات و اثرات سوئی در آینده نزدیک خواهد داشت."

کارشناسان جمهوری اسلامی دو دلیل عمده را برای بحران ارزی اخیر

اعلام میکنند اول تحریم های اخیر است و دوم سوذجویی صرافان. که هر دو واقعی است. اما ارتباط این بحران ارزی با پروژه قطع یارانه ها که قرار بود دولت از اول مهر به اجرا درآورد از طرف مسئولین و کارشناسان داخلی زیاد مطرح نشده است. در حالیکه یکی از عوامل اصلی این بحران ارزی طرح قطع یارانه هاست که قرار است همین روزها اعلام شود. ظاهراً دولت از اعلام جزئیات و چگونگی طرح قطع یارانه ها تا کنون امتناع کرده است بخاطر اینکه تورم شدیدی که با اعلام رسمی این طرح در جامعه ایجاد میشود را به عقب اندازد. هفته قبل گفتند مگر اول مهر و آخر مهر فرقی میکند به هر حال در مهر میشود. این روزها میگویند از اول آبان. تورم شدیدی که با شروع رسمی پروژه قطع یارانه ها جامعه ایران را خواهد گرفت وسیع تر از چیزی است که بتوان تصورش را کرد. بحران بازار ارز در هفته گذشته را شاید بتوان به عنوان پی درآمد سونامی ای که در راه است دانست. حدود ۱۰ سال پیش در ترکیه دم غروب به يك باجه تبدیل ارز مراجعه کردم که قدری لیبره ترکیه بگیرم که متوجه شدم قبل از من مرد دستفروشی که نزدیکی هتل میوه میفروشد، آمد و پولهای ترک را به باجه داد و دلار گرفت. همین کار باعث شد برای تبدیل پولم تا روز بعد صبر کنم. بازار پولی ترکیه آنروزها طوری بود که حتی دست فروش فقیر میخواست اندک سرمایه اش را به دلار زیر بالش بگذارد. بحران ارزی بازار ایران طی هفته گذشته این خاطره را به یاد من آورد خاطره ای که این سوال را در پی خود دارد که: آیا ریال شناور میشود و بازاریان نقدینه هایشان را به طلا و ارز تبدیل میکنند؟

واقعیت اینست که وضعیت اقتصاد ایران بسیار در هم ریخته تر از آنست که بشود با کشور دیگری نظیر ترکیه در دوره بحران مقایسه کرد. تلاطم بازار ارز تنها يك نمونه کوچک از زلزله ای است که در راه است و فروپاشی اقتصاد ایران هر دلیلی داشته باشد، قربانیان اصلیش کارگران و مردم عادی جامعه اند که ناچارند نیازهای اولیه خود را با دستمزدها و حقوقهای ناچیز خود که هرروز نیز قدرت خریدش کمتر و کمتر میشود، تهیه کنند. برآستی برای زنده بودن هم مردم ناچارند این حکومت را سرنگون کنند.*

بازتاب هفته

برای جمهوری اسلامی شرایط فراهم نیست

پهروز مهر آبادی

روز یکشنبه ۱۱ مهر علی لاریجانی رئیس مجلس در یک مصاحبه گفت: "دولت و مجلس سبک و سنگین می کنند که قیمت بنزین و گازوئیل تعیین شود." از طرف مقامات ریز و درشت حکومتی سناریوهای مختلفی برای قیمت بنزین مطرح شده است. از یک طرف در حال حاضر قیمت بنزین سهمیه ای لیتری ۱۰۰ تومان و بنزین نیمه یارانه ای لیتری ۴۰۰ تومان است. تک نرخی شدن بنزین یکی از این سناریو ها است که از طرف رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس اسلامی عنوان شده با این تاکید که قیمت بنزین کمتر از ۴۰۰ تومان نخواهد بود. سناریوی بعدی فروش بنزین آزاد لیتری ۸۰۰ تومان و ادامه فروش بنزین سهمیه ای به میزان محدود و سناریوی دیگر بالا رفتن تدریجی قیمت بنزین اعلام شده است.

معمولا تعیین قیمت یک کالای مصرفی امری است که دولت می تواند با یک محاسبه ساده آن را تعیین کند. اما در جمهوری اسلامی به این سادگیها نیست. بالا بردن قیمت بنزین می تواند موجودیت رژیم را به خطر بیندازد. چند برابر کردن قیمت کالاهای مصرفی مردم از جمله بنزین هدف جمهوری اسلامی بوده است. حکومت چندین سال است که در کمین نشسته است. دولت اصلاح طلب خاتمی در اجرای این سیاست شکست خورد و به آن اعتراف کرد و دولت احمدی نژاد بناچار طرح حذف یارانه ها و بالا بردن قیمت ها را به تعویق انداخته است. لاریجانی در صحبت های خود اعلام کرد: "نظر دولت این است که قیمت بنزین و گازوئیل در زمانی گفته شود که شرایط فراهم باشد." مساله دقیقا همین فراهم بودن شرایط است که برای حکومت دست نمیدهد. به عبارت صریحتر مردم تا بحال چنین اجازه ای نداده اند و بالا بردن قیمت بنزین می تواند موجودیت رژیم را به خطر بیندازد. حضور گسترده نیروهای مسلح و اوباش حکومتی در خیابانها و

تشدید سرکوب ها تاکنون نتوانسته شرایط را برای رژیم فراهم کند. همینکه مدام دارند از آغاز "فتنه اقتصادی" که منظورشان اساسا اعتصابات و اعتراضات کارگران و معلمان و پرستاران و حقوق بگیران است، وحشتشان را ابراز میکنند، کل وضعیتشان را بر ملا میکنند. از این واضحت نمی توان وحشت رژیم را از بالا گرفتن جنبش سرنگونی طلبی مردم و از قدرت این جنبش، بیان کرد.*

در حاشیه اظهارات رئیس جمهور آلمان در باره اسلام



محمد شکوهی

کریستیان وولف، رئیس جمهوری آلمان روز ۳ اکتبر در مراسم ۲۰ سالگی اتحاد دو آلمان اعلام کرد که "امروزه اسلام نیز مانند آیین های مسیحی و کلیسی به آلمان تعلق دارد و اسلام بخشی از فرهنگ امروز آلمان" می باشد! بلافاصله بعد از این اظهارات ایمان مازنیک، رئیس شورای مرکزی مسلمانان آلمان به روزنامه "بیلد" گفت: "رئیس جمهوری با این اظهارات پیامی روشن و دلگرم کننده به همه مسلمانان مقیم آلمان داد. در واقع این اظهارات رئیس جمهوری آلمان در شرایطی که جنبش های اسلامی و در راس آنها جمهوری اسلامی زیر فشار سنگین افکار عمومی جهانیان قرار دارند، برآستی برای آنها نعمتی است." در خبر دیگری "شورای مرکزی مسلمانان آلمان" روز ۳ اکتبر را روز "دهای باز مساجد" اعلام کرد. سخنان رئیس جمهور آلمان موجی از اعتراض و مخالفت در میان احزاب و جریانات سیاسی حاکم و در اپوزیسیون و در سطح محافل و صاحب نظران جامعه آلمان برانگیخته و تبدیل به یک موضوع داغ سیاسی شده است. مخالفت ها از جریانات راست و ناسیونالیست گرفته تا بخشی از عناصر چپ و لیبرال را در بر می گیرد. در همین رابطه و در واکنش به این اظهارات بنیاد "یوگاو" یک نظر سنجی انجام داده

است، که بیانگر مخالفت بالایی از مردم با این اظهارات می باشد. در این نظر سنجی ۱۰۰۸ شهروند آلمانی مورد پرسش قرار گرفته اند. از این عده ۶۶ درصد گفته اند که با نظر رئیس جمهوری مخالف هستند و تنها ۲۴ درصد از او طرفداری کرده اند. حدود ۹ درصد نظری نداده اند. این سخنان قبل از اینکه نظر یک شخصیت و یا حزب سیاسی در نوع برخوردش به اسلام علی العموم و نقش و جایگاه آن در جامعه آلمان باشد، یک خط سیاسی با جهت گیری مشخصی می باشد که در طول نزدیک به یک دهه گذشته در میان احزاب و بخش جامعه آلمان شکل گرفته و امروز در جامعه و سیاست دولت حضور دارد. سابقه این "اسلام دوستی نوع آلمانی" به دوره دولت ائتلاف احزاب سوسیال دموکرات و حزب سبزها، دوره صدارت شرودر- فیشر بر می گردد. دوره ای که در اوایل تشکیل این دولت سیاست و تئوری ارتجاعی "نسبیت فرهنگی، تامل و مدارا با فرهنگ ها و ادیان" رسما تئوریزه و تبدیل به یک سیاست رسمی دولت آن موقع آلمان به بهانه "جلب و حذب فرهنگ ها برای انتگراسیون در جامعه آلمان" شد. نتیجه عملی اتخاذ این سیاست باز کردن راههای قانونی برای فعالیتهای سیاسی احزاب و جریانات اسلامی از تیره های گوناگون شد. دهها حزب و جریان اسلامی با استفاده از سوراخ و سنبه های قانونی و برای استفاده از "حقوق شهروندی" پای احزاب و جریانات اسلامی را که تا آن موقع بخش در "کشوهای اسلامی" و در حاشیه شکل گرفته بودند را، به بطن سیاست در جامعه آلمان کشاند. سیاست رسمی دولت آلمان در این رابطه سیاست حمایت از این دار و دسته ها و دادن امکانات برای گسترش سازمان و بخشا نفوذ سیاسی این جریانات بوده و می باشد. نتیجه آن شد که در مدت کوتاهی جریانات اسلامی رنگارنگ شکل گرفتند و در عرصه فعالیت فرهنگی و دینی در میان بخشهایی از جمعیت مهاجران و پناهندگان جا پا سفت کردند. با گسترش این افکار و نظرات مورد حمایت دولت، جریات اسلامی رفته رفته مطالبات و درخواستهای این باندها از دولت را طرح و خواستار عملی شدن مطالباتشان شدند. از موضوعات مهمی که این دار و دسته ها روی آن

تاکید کرده و آن را عین دولت آلمان جزئی از سیاست انتگراسیون می نامیدند، می شود به تدریس قرآن در مدارس، حمایت مالی از ساختن مساجد و مراکز فرهنگی برای مسلمانان، استخرهای ویژه زنان محجبه و "بی کینی اسلامی"، به رسمیت شناختن قوانین و مقررات ضد زن مربوط به ازدواج و طلاق، فشار برای قالب کردن حجاب اسلامی به عنوان پوشش زنان در اداره جات، ایجاد رشته تحصیلی برای تربیت امام جماعت و .. می باشند. در چنین وضعیت مناسبی که بخشا و دوفاکتو با حمایت دولت ائتلافی بوجود آمده بود، احزاب و جریانات اسلامی فعالیتهای شان را گسترش دادند. با واقعه ۱۱ سپتامبر موضوع برخورد با احزاب و جریانات اسلامی تحت فشار آمریکا و متحدینش، دولت آلمان را وادار به تجدید نظر در سیاست هایش در مورد جریانات اسلامی کرد. البته این سیاست مدت کوتاهی بیشتر دوام نیاورد. بعد از اینکه فشارها به دولت آلمان فروکش کرد احزاب و دار و دسته های اسلامی دوباره به صحنه سیاست و جامعه برگشته و این بار پر مدعراتر از قبل و به عنوان اهرم فشار وارد صحنه شدند. دور جدید فعالیت های احزاب و جریانات اسلامی این بار حول و حوش موضوعاتی چون تلاش برای تحمیل قوانین ارتجاعی شریعه، ساختن مساجد به رسمیت شناختن این احزاب به عنوان "نمایندگان مسلمانان آلمان" شکل گرفت. در ادامه این فشارها دولت آلمان از حدود ۶ سال پیش سالانه یک "بار کنفرانس اسلام در آلمان" برگزار کرده و در این کنفرانس در باره نحوه و چند و چون "انتگره کردن جامعه مسلمانان در جامعه آلمان"، با سران و روسای باندها نشست و طرح و برنامه می ریزند. تا به امروز ۴ کنفرانس دولت برگزار کرده و همه طرف های شرکت کننده در این کنفرانس، علیرغم برخی اختلافات، از آن راضی بوده و آن را یک گام "مهم" در امر جلب و حذب "خارجیان مسلمان" به جامعه آلمان دانسته و براین اساس سیاست هایشان را تصویب و به اجرا می گذارند.

با یک چنین پیشینه ای از

همکاری و فعالیت های مشترک دولت و جریانات اسلامی است که جناب رئیس جمهور "اسلامی دوستی اش" گل کرده و اسلام را "بخشی از فرهنگ امروز آلمان" قلمداد کرده سینه برای این جریانات ارتجاعی چاک می کند. معنای عملی چنین اظهاراتی چیزی جز تیره اسلام سیاسی و جنایتش و باز گذاشتن دست این دار و دسته ها برای تحمیل این باندها بر زندگی و کار و زندگی جامعه خارجیان و بویژه زنان و دختران زاده کشورهای اسلام زده نبوده و نیست. این جناب خودش بهتر از هر کسی می داند که با این اظهارات که به بهانه برخورد از "موضع برابر و دموکراتیک به همه ادیان"، در واقع احزاب و جریانات اسلامی را دوفاکتو نماینده مردم غیرآلمانی که گویا قرار است در جامعه آلمان "اینترگره" بشوند، خطاب قرار داده و زمینه های تعرض و تحمیل افکار و عقاید ارتجاعی باندهای اسلامی را تأیید و سیاست رسمی دولت اعلام می کند.

اظهارات این چنینی یک توهین آشکار به شعور عمومی بشریت متدین، مدرن و سکولار این جامعه بوده و باید پاسخ درخورش را بگیرد. اینها میخوانند در شرایطی که در کشورهای مختلف و بویژه ایران جنبش عظیم ضد فرهنگ و قوانین اسلامی به جریان افتاده، اسلام و تفکرات ارتجاعی مذهبی را در جوامع اروپایی نهادینه کرده، و توسط این جریانات سیاستهایشان را عملی بکنند. برای اینترگره شدن باید مسلمان بود و به افکار و عقاید ارتجاعی اسلامی احترام گذاشت. این یک سیاست و جهت گیری بی نهایت ارتجاعی است که دولت آلمان در پیش گرفته است. اما در مقابل این جهت گیری جامعه سکولار و غیر دینی آلمانی هم ساکت نشسته و خود را در کنار و همدم مردم سکولار ایران و جهان برای خلاص شدن از شر مذهب و قوانین ضد زدن و ضد انسانیت می بیند. دفاع روسای دولتها از ارزشهای اسلامی در واقع وحشتشان را از گسترش این جنبش ضد مذهبی در جهان که مستقیما دامن آنها و دولت و ارزشهایشان را خواهد گرفت، انعکاس میدهد.*

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

دست تووریستها از سلاح ...

احمد فاطمی

و سایر مراجع تهیه کرده ایم:



از صفحه ۱

کردیم در ابتدای سال جاری میلادی اثرات این ماده را در منطقه فلوجه عراق مطالعه کردند. فلوجه در سال ۲۰۰۴ صحنه تعرض نظامی بسیار شدید و مخربی بود. پژوهش‌ها نتایج زیر را به دست می‌دهند:

مرگ نوزادان بین صفر تا یکساله: فلوجه ۸۰ در ۱۰۰۰، مصر ۱۹۰،۸ در ۱۰۰۰، اردن ۱۷ در ۱۰۰۰، کویت ۹،۷ در ۱۰۰۰. همین تحقیقات جنبه دیگری از تأثیرات استفاده از "دی یو" در فلوجه را نشان می‌دهد. آن چه که در کنار اثرات بالفعل این جنگ افزار وحشت آور است، اثرات غیر قابل پیش بینی آن برای نسل‌های آینده است. به طور طبیعی در برابر هر ۱۰۵۰ نوزاد پسر، ۱۰۰۰ نوزاد دختر متولد می‌شوند. این نسبت یک نسبت طبیعی ثابت برای تمام نژاد انسان است. برای فلوجه در میان کودکان بین صفر تا ۴ سال (آمار زمان پژوهش‌ها) این نسبت کاملاً غیر طبیعی، و ۸۶۰ نوزاد پسر در مقابل ۱۰۰۰ نوزاد دختر بوده است. پژوهش‌گران این اختلال را با موتاسیون‌های جدی ژنتیکی در والدین این نوزادان، و در نتیجه قرار گرفتن در معرض تشعشعات هسته‌ای ناشی از استفاده "دی یو" میدانند. پژوهشگران فوق معتقدند که این موتاسیون‌ها ارثی شده و به نسل‌های آتی منتقل می‌شوند. همین مطالعه همچنین نسبت بسیار بالای انواع سرطان، به ویژه سرطان سینه، خون، لنفاوی، و تومور مغزی در فلوجه را در مقایسه با کشورهای مصر و اردن نشان می‌دهد.

در سپتامبر ۲۰۰۹، ۲۴ درصد نوزادانی که در بیمارستان فلوجه به دنیا آمده بودند ظرف یک هفته اول مردند. بیش از ۷۵ درصد نوزادان دفرمه بودند! از سوی دیگر تحقیقات مشابه در منطقه بصره در جنوب عراق نیز نشان دهنده وضعیت مشابهی است. آمارهای بدست آمده نشان دهنده افزایش سرسام آور انواع بیماری‌های سرطانی است. آماری که برای سالهای ۱۹۹۰، ۱۹۹۹، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۵ ارائه شده‌اند تغییرات نسبتاً جزئی در آمار مربوط به سالهای دهه ۹۰، و افزایش شدید برای

سال ۲۰۰۵ را نشان می‌دهند. موارد ثبت شده برای آن ۳ سال عبارتند از: ۴۸۸، ۵۴۴، ۶۸۸ و تعداد ۱۸۸۵ مورد ابتلا به انواع سرطان برای سال ۲۰۰۵. این مطالعات، پس از در نظر گرفتن تغییرات در تعداد سکنه منطقه، بیش از ۲۲۷٪ افزایش در سرطان سینه، و بیش از ۹۵٪ افزایش در سرطان دستگاه تنفسی را نسبت به سال ۱۹۹۰ نشان می‌دهند. از آن هنگام که این مطالعات شروع شده است، علیرغم تلاش شرم آور و جانبدارانه موسسات وابسته به سازمان ملل، پژوهشگران ثابت کرده‌اند که این اثرات تنها به آن انسانهایی که خود در معرض تشعشع قرار گرفته‌اند محدود نمانده و از جمله به واسطه تغییرات ژنتیکی ناشی از موتاسیون ژن‌های والدین، نسل‌های بعدی را نیز مبتلا می‌سازند. این بدان معناست که مردم جنگ زده و مصیبت دیده عراق تا نسل‌ها باید تاوان میلیتاریزم وحشیانه دولتهای جنگ طلب آمریکا و همپیمانانش را بدهند. از سال ۲۰۰۶ به این سو که گزارشات جامعی از اثرات استفاده از "دی یو" به خارج از عراق درز کرد تحقیقات وسیعتری در این رابطه صورت گرفته است. در سمیناری که در استکهلم در ژوئیه سال جاری برگزار شد دکتر عمر ال خبیزی، از پژوهشگران این عرصه و از اعضای گروه محققین فلوجه اعلام کرد که در بخش‌هایی از بصره و نجف عوارض سرطانی را در هر خانه‌ای می‌توان مشاهده کرد. این در حالی است که دولت آمریکا هنوز نه به مسئولیت خود در این رابطه اعتراف کرده و نه اطلاعاتی در قبال میزان دقیق و اماکن آلوده در اختیار پژوهشگران که هنوز به خرج خود عمل می‌کنند قرار داده است.

این گزارش کوتاه را با ابراز احترام به دانشمندان بشر دوستی که بعضاً به قیمت جان خود و عزیزانشان سعی در افشای جنایتی عظیم بر علیه بشریت داشته‌اند، و گزارش جامعی را علیرغم تمام موانع و کارشکنی‌ها به جامعه جهانی و جنبش ضد جنگ ارائه کرده‌اند با ترجمه بخشی از راپورت دکتر سعادت ان ال عززای به سومین کنفرانس اتحادیه بین المللی برای ممنوعیت استفاده از تسلیحات هسته‌ای که در سال ۲۰۰۶ در هیروشیما برگزار شد به پایان می‌برم. از خود گذشتگی و زحمات این دانشمندان اینک به کمیته جهانی به

منظور ممنوعیت ساخت و استفاده از "دی یو" منجر شده است. این کمیته را اتحادیه جهانی به منظور ممنوعیت استفاده از تسلیحات هسته‌ای به پیش می‌برد.

"نیروهای اشغالگر آمریکا و انگلیس به طور کامل مسئولیت موارد زیر را به عهده دارند:

۱- ممنوع کردن اعلان آمار تلفات غیر نظامیان پس از اشغال.

۲- عدم تقبل مسئولیت پاکسازی مناطق آلوده.

۳- محروم کردن موسسات بین المللی و پژوهشگران عراقی از حق تحقیقات کامل در ارتباط با اثرات مخرب استفاده از "دی یو" توسط نیروهای آمریکایی که نشان دهنده تلاش آنها برای پنهان ساختن مدارک موجود است.

تمام این اقدامات از آنجا که این تسلیحات بدون فرق گذاردن بین شهروند غیر نظامی و نظامی به غیر نظامیان در مناطق آلوده صدمه رسانده و از آنان تلفات می‌گیرند و اثرات مخرب این تسلیحات بر سلامتی افراد از ضعف عمومی و ناراحتی عضلانی تا اختلالات ژنتیکی، بر هم زدن ترکیب

کوروزوموزومی و ایجاد بیماری‌های سرطانی را شامل می‌شود و باقی ماندن دی‌یو در محیط زیست (نیم عمر ایزوتوپ طبیعی اورانیوم ۴،۶۸ میلیارد سال است. الف) به مفهوم قرار گرفتن مداوم اهالی در معرض مسمومیت و تشعشع رادیو اکتیو است و بنابر این تداوم حمله به ساکنین غیر نظامی مناطق درگیری حساب شده و به همین دلیل بر طبق اصل ۴ از قوانین رسمی بین المللی و اصل ۷ دادگاه جرایم بین المللی جرم بر علیه بشریت محسوب می‌شوند... ما خود را موظف می‌دانیم که به جهانیان اعلام کنیم که برخی از دانشمندان که در تهیه گزارش حاضر سهیم بوده‌اند جان خود را در این راه از دست داده‌اند. دکتر عبدال حامد یعقوب پس از دو بار مورد حمله قرار گرفتن توسط میلیشیای مورد حمایت نیروهای اشغال سرانجام در یک سانحه ساختگی به همراه فرزندش کشته شد، و دکتر هدا عماش ۳ سال از عمرش را بدون هیچ اتهامی زندانی شد. ترور بیش از ۲۵۰ دانشمند عراقی طی سالهای اشغال شیوه موثری برای جلوگیری از تحقیقات و از جمله تحقیقات مرتبط با "دی یو" بوده است"*

اعتصاب کارگران شرکت کرپ ناز هرسین کرمانشاه

ادامه دارد

اعلام کرده اند که برای پیگیری خواستهایشان ظرف دو سه روز آینده به تهران خواهند رفت و به تجمع اعتراضی خود در مقابل دفتر احمدی نژاد ادامه خواهند دارد.

علاوه بر مساله بی‌کارسازی کارگران کرپ ناز هرسین کرمانشاه با مساله دستزدهای پرداخت نشده نیز روبرویند و هم اکنون ۴ ماه دستمزد طلب دارند. اعتصاب کارگران هرسین کرمانشاه علیه بی‌کارسازیها و با خواست فوری پرداخت طلبهایشان ادامه دارد. در شرکت کرپ ناز هرسین کرمانشاه ۲۷۵ کارگر در سه شیفت به کار اشتغال دارند.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم کرمانشاه را به حمایت از کارگران کرپ ناز فرا میخواند.

زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ مهر ماه ۱۳۸۹، ۱۷ اکتبر ۲۰۱۰



کارگر زندانی
آزاد باید گردد

www.free-them-now.blogspot.com



اطلاعیه شماره ۴۰: رضا شهبابی همچنان در زندان است

رضا شهبابی از اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد از ۲۲ خرداد تا کنون در بند ۲۰۹ اوین در زندان است. رضا شهبابی زمانی که بخاطر درد شدید گردن در مرخصی درمانی بسر میبرد، دستگیر شد و سپس دو ماه بازداشت را تمديد کردند و ۱۹ مهر ماه این دو ماه نیز سپری میشود، اما هنوز با وضعی نامعلوم در بازداشت بسر میبرد و حتی وکیل او در این مدت علیرغم مراجعه مکرر به زندان اوین موفق به ملاقات با وی و مطالعه پرونده اش نشده است.

رضا شهبابی از درد شدید گردن، کمر، دست و ناراحتی های گوارشی رنج میبرد و در وضعیت جسمی بدی بسر میبرد و دو ماه است که در وضعیتی ناروشن در سلول دو نفره به حال خود رها شده است. وضعیت جسمی و بلاتکلیفی رضا شهبابی خانواده وی را بشدت نگران کرده است. رضا شهبابی بخاطر مبارزاتش برای داشتن تشکل خود، سندیکای واحد و اعتصابات با شکوه کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ در زندان

است. همانطور که منصور اسانلو و ابراهیم مددی به همین جرم هم اکنون در زندان بسر میبرند. رضا شهبابی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، بهنام ابراهیم زاده باید فوراً از زندان آزاد شوند کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد کمپین برای آزادی کارگران زندانی شهلا دانشفر 0044-77798 98968

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

Shahla_Daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش

0044-7852 338334

Bahram.Soroush@gmail.com

۱۱ مهر ۱۳۸۸ - ۳ اکتبر ۲۰۱۰

انسانی تلاش میکند، بهنام را نجات دهیم. بهنام و همه کارگران زندانی و انسانهایی که بخاطر خواستههای برحق و انسانی شان در زندانند باید فوراً از زندان آزاد شوند.

اعتراضات زیادی برای آزادی بهنام و کارگران زندانی شده است. به سهم خودم تشکر میکنم و من هم با این نامه کارزار خودم را برای نجات جان بهنام اعلام میکنم. همانطور که قبلاً هم درخواست کرده ام من را در این کارزار یاری رسانید.

موسی ابراهیم زاده
۸ مهر ۱۳۸۸

منصور اسانلو، ابراهیم مددی، رضا شهبابی، بهنام ابراهیم زاده باید فوراً از زندان آزاد شوند. ما از همه سازمانها و نهادهای انساندوست در سراسر جهان میخواهیم که در مقابل این تعرض جمهوری اسلامی و فشار بر روی کارگران سندیکای نیشکر هفت تپه صدای اعتراضشان را بلند کنند. از کمپین برای آزادی کارگران زندانی حمایت کنند و به هر شکل که میتوانند برای آزادی کارگران زندانی و برای متوقف شدن فشار بر روی رهبران کارگری و لغو پرونده های قضایی آنها تلاش کنند. ما از همه کارگران و نهادهای انسان دوست میخواهیم که از کمپین برای آزادی کارگران زندانی وسیعاً حمایت کنید.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۰ مهر ۱۳۸۹ - ۲ اکتبر ۲۰۱۰

از بیش زیر فشار گذاشته است. دارند زمان میگذرانند و جان برادرم در خطر است. ما به کمک همه انسانهای آزادیخواه در جهان نیاز داریم. ما به کمک همه کارگران و همه مردم نیاز داریم. تا بهنام را از این وضعیت نجات دهیم.

من موسی برادر بهنام این نامه را از جانب خودم، خانواده ام و همسر و فرزند بهنام مینویسم. ما نگرانیم. راهی دیگر در برابرمان نمانده است. با تمام قدرت برای آزادی و نجات بهنام و بهنام ها تلاش میکنیم و انتظار بیشترین حمایت ها را از شما کارگران و از همه مردم در سراسر جهان داریم. بهنام برای يك زندگی

تمام کارگران در همه مراکز کارگری روبرو شود. در متن اوضاع پر التهاب جامعه، جمهوری اسلامی از به میدان آمدن کارگران آنهم با قدرت اتحاد و تشکلشان بیم دارد. با این حملات جمهوری اسلامی تشکل کارگران نیشکر هفت تپه و اتحادشان را نشانه رفته است. با این حملات جمهوری اسلامی کل جنبش کارگری را برای متحد شدن و پیشبرد مبارزات سراسری اش نشانه رفته است. نمونه دیگری از همین دست اخراج ها، اخراج غلامرضا جوادی یکی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از کار است. جرم غلامرضا جوادی، همچنان که خود میگوید، اعتراض به شرایط سخت معیشتی کارگران است. باید با تمام قدرت از کارگران نیشکر هفت تپه و تشکلشان حمایت کرد. باید در برابر این اخراج ها و دستگیری کارگران معترض و زندانی کردن آنها ایستاد.

بشدت نگران است. جان بهنام در خطر است و باید کاری بکنیم.

بهنام به اینکه برایش وثیقه تعیین کرده اند، اعتراض دارد و میگوید که کاری نکرده است که زندانی شود و برای آزاد شدنش از زندان، وثیقه بپردازد. ما نیز مرتب به مقامات زندان مراجعه میکنیم و برای اینکه بهنام را از زندان بیرون بیاوریم، میگوییم وثیقه حاضر است، ولی جواب نمیدهند. میگویند خودمان تماس میگیریم و تماسی نمیگیرند و ما را سر میخوانند و بهنام همچنان در زندان است. بعضی هفته ها حتی ملاقات هم نداده اند و این وضعیت همسر و فرزند بهنام را بیش

از کارگانی است که مصممانه در مقابل دزدیدن جنایتکارانه و آشکار دستزدهایشان ایستاده اند. در برابر همه این فشارها این تشکل کارگری همچنان به کار خود ادامه داده و بعنوان صدای اعتراض ۵۰۰۰ کارگر در مناسبت های مختلف رو به جامعه سخن گفته و در برابر تهدید و فشار و زندانی کردن کارگران صدای اعتراض را بلند کرده است. از سوی دیگر کارگران نیشکر هفت تپه وجود تشکل خود را قدر دانسته و علیرغم تهدید و فشار جمهوری اسلامی با ایجاد صندوق همبستگی در مقاطع مختلف رهبران خود را مورد حمایت و پشتیبانی قرار داده اند.

کارگران نیشکر هفت تپه تا همین جا الگوی خوبی از اتحاد و همبستگی بدست داده اند، باید این صف متحد را متحد تر کرد. اخراج ۴ کارگر نیشکر هفت تپه باید با اعتراض وسیع کارگران این کارخانه و

به فراخوان برادر بهنام ابراهیم زاده وسیعاً پاسخ دهیم



به همه انسانهای آزادیخواه در سراسر جان بهنام (اسد) ابراهیم زاده دست به اعتصاب غذا زده است، به ما کمک کنید او را از زندان نجات دهیم

دستگیری قفسه سینه و پایش آسیب دید و الان از درد شدید پا رنج میبرد. در ملاقاتی که امروز پنجشنبه ۸ مهر خانواده بهنام با وی داشتند، باخبر شدیم که او در اعتراض به اینکه وی را در این مدت در انفرادی نگاه داشته اند و با وجود درد شدید پا کاری برایش نمیکنند، از روز گذشته ۷ مهرماه دست به اعتصاب غذا زده است و اکنون ما

بهنام (اسد) ابراهیم زاده يك کارگر و مدافع حقوق کارگران و کودکان و حقوق انسان است. اکنون نزدیک ۴ ماه است که به همین جرم در انفرادی بند ۲۰۹ اوین بسر میبرد و با وجودیکه برایش ۱۰۰ میلیون وثیقه تعیین شده است، مرتب ما را سر میخوانند و آزادش نمیکنند. او در ۲۲ خرداد بود که دستگیر شد و بدلیل ضرب و شتم در هنگام

اطلاعیه شماره ۳۹: ۴ نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه حکم اخراج گرفتند

با مبارزه متحد خود به این گستاخی رژیم پاسخ دهیم

اکنون به همین جرم از کار اخراجشان کرده اند و نهاد "هیئت حل اختلاف" جمهوری اسلامی برایشان پرونده قضایی تشکیل داده است. این کارگران باید فوراً سر کارشان بازگردند و پرونده های قضایی تشکیل شده برای آنان لغو شود. جمهوری اسلامی برای به تعطیل کشاندن سندیکای نیشکر هفت تپه، که به قدرت اتحاد و مبارزات کارگران این کارخانه تشکیل شده و نقش مهمی در متحد کردن صفوف اعتراض کارگران داشته است، همواره تلاش کرده که رهبران آنها با احضار و دستگیری و با اخراج از کار و تشکیل پرونده های قضایی زیر فشار دائم قرار دهد. این تلاشی برای انتقام

نهاد موسوم به "هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان شوش" حکم اخراج ۴ نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه به اسامی فریدون نیکوفرد، جلیل احمدی، قربان علیپور و محمد حیدری مهر را بیشرمانه مورد تایید قرار داد. این کارگران از رهبران شناخته شده و محبوب نیشکر هفت تپه هستند که بخاطر تلاششان برای تشکیل سندیکای خود و دفاع از خواسته های کارگران و بخاطر مبارزات جانانه ای که کارگران نیشکر هفت تپه در این چند سال علیه دستمزدهای پرداخت نشده و دیگر خواسته های برحقشان داشته اند، بارها دستگیر و زندانی شده اند و

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

"ما در مورد مساله زن ..."

اندازی کند. خب این جالب نیست؟ بقیه خبر را بخوانید: این مجلس قرار است در یک قالب مشورتی تلاش کند "ارزشهای والای اسلامی" را به زنان دیگر در دنیا هم یاد داده و آنها را هم به چارچوب "حقوق زنان در اسلام" هدایت کند تا مقام والای خود را بازیابد! خاتم مجتهد زاده از سخنان خامنه ای رهبر عالیقدرش که می گوید "ما در مورد مسئله زن از دنیا طلبکار هستیم" به هیجان آمده و چادر به کمر و چماق در دست قصد دارد طلب مربوطه را از زنان دنیا پس بگیرد.

لایب خانم مجتهد زاده و همکارانش انتظار دارند کشورهای مختلف دنیا برای بازپس دادن بدیهایش به جمهوری اسلامی و برای اینکه عضواً این مجلس شوند هیئتی مرکب از زنان چادر چاقچوری به ایران بفرستند تا از آخوندها و زنان آخوندنمای دست اندرکار رژیم درس بردگی و فرودستی بگیرند، که یاد بگیرند تلاش انسانهای آزادخواه در بسیاری از کشورهای دنیا برای بدست آوردن حقوق برابر زن و مرد اشتباه بوده و حقوق بدست آمده باید پس گرفته شوند. لایب این هیئتها و کشورهای "بدهکار" باید به جمهوری اسلامی متعهد شوند که برای بازپس دادن بدیهایشان آپارتاید جنسی و جداسازی جنسیتی را در کشورهایشان حاکم نکنند، حجاب را اجباری کنند، دختر بچه های پنج

از صفحه ۱

شش ساله را در يك قفس زشت و متحرک زندانی کنند، مدارس را دخترانه سپرانه کنند و دور مدارس دخترانه دیوارهای بلند بکشند که خدای نخواستہ مردهایی که از آنجا رد می شوند با دیدن دختر بچه هائی که در حیاط مدرسه به آرامی راه می روند (چون دیدن و خندیدن حتی در چهارچوب دیوارهای بلند ممنوع است) دچار گناه نشوند. کشورهای عضواً این مجلس یاد خواهند گرفت که صیغه و چند همسری ارزشهای والائی هستند در حالیکه اگر زنی که به زور وادار شده همسر چندم یک حاج آقای پیر شود به خود جرات داده و با کسی که دوست دارد رابطه جنسی برقرار کند باید در ملاعام سنگسار شود. خاتم مجتهدزاده و همکارانش در این مجلس جهانی اطمینان حاصل خواهند کرد که به کشورهای دنیا یاد دهند که برای اینکه زنان مورد "استفاده ابزاری" قرار نگیرند و کرامت آنها حفظ شود یکسری آخوند تربیت کنند و یا اگر ندارند از ایران وارد کنند که زنان را در محضرهای این آخوندها و با خواندن چند آیه قرآن خرید و فروش کنند و برای حفظ کرامتشان به آنها یاد بدهند که جتی المقدور از پستوی خانه اشان خارج نشوند.

یا شاید هم سران رژیم از به تمکین واداشتن زنان در ایران نا امید شده اند و دنبال قربانیان جدیدی در کشورهای دیگر دنیا می گردند.



سپهילה شریفی

شاید خسته شده اند از اینکه هر پروژه ای که برای به تمکین واداشتن زنان می دهند با شکست مفتضحانه ای روبرو میشوند و دنبال جاهائی می گردند که به یمین پولهای هنگفتی که تاکنون خرج تروریسم و تقویت جنبش سیاه اسلام سیاسی کرده اند این جنبش در آنجاها جا پائی پیدا کرده است و مردم مستاصل آنها را بهتر می توان مرعوب قوانین ارتجاعی کرد. بیش از سی و یک سال است که رژیم ضد زن جمهوری اسلامی خواسته است آنچه را که ارزشهای اسلامی می خواند (آپارتاید جنسی و بردگی مطلق زن) به نرم و روش زندگی مردم در ایران تبدیل کند، این ارزشها را تبدیل به قانون کشور کرده اند و با ضرب نیروهای سرکوبشان تلاش کرده اند آنها را به مردم تحمیل کنند. سی و یکسال است برای اینکه روسریها را روی سر زنان نگه دارند گله های حزب الله و نهی از منکر و ناجا و پاترولهای سیاه و غیره سازمان داده و در کوچه و خیابان راه انداخته اند، سی و یکسال است دانشگاهها را پادگان کرده اند که بتوانند جداسازی جنسیتی را به دانشجویان و استادان تحمیل کنند، سی و یکسال است کلاسهای درس را تبدیل به کلاس تربیت دینی و قرآن کرده اند و خرافات

به خورد کودکان می دهند که آنها را آلوده به این ارزشها بار بیاورند. و سی و یکسال است دارند شکست می خورند، تقریباً تمام پروژه هایشان به شکست کشیده شده است. مردم و زنان ایران قهرمانانه در هر کوی و برزنی با این جنایتکاران قرون وسطائی و قوانین عهد حجری آنها جنگیده و آنها را به عقب رانده اند. طوریکه مستاصل و درمانده به همدیگر از تهاجم فرهنگی و فتنه های غربی و غیره هشدار می دهند، به همدیگر یادآوری می کنند که اگر کاری نکنند زنان رسماً و علناً دارند از "بدجایی" عبور میکنند و کاملاً کشف حجاب می کنند. در اوج ناکامی و شکست دنبال مقصر می گردند و انگشت اتهام به سوی هم دراز می کنند.

جنبش آزادی زن در ایران امروز بیش از همیشه وسیع، توده ای و متعرض است و کمر به سرنگونی این رژیم بسته است. به همین دلیل است که این جانین مستاصل و شکست خورده دنبال متحدین جهانی می گردند و سعی دارند با تصور ایده های قرون وسطائی شان جا پائی در دیگر کشورها پیدا کنند. اما باید به آنها یادآوری کرد که به همان اندازه که آنها تلاش می کنند جنبششان را سراسری و جهانی کنند در همان مقیاس و شاید هم در ابعاد وسیعتری جنبش جهانی سکولاریسم و برابری طلبانه در مقابل ان قد علم می کنند. تا همین جا هم این جنبش شکستهای سختی را به اسلام سیاسی و قوانین

ارتجاعی آن در سراسر دنیا تحمیل کرده است. بشریت مستمن و در راس آنها کسانی مانند مینا احدی و مریم نمازی و دیگر فعالین حقوق زن اجازه نخواهند داد جمهوری اسلامی و سیاستهای ارتجاعی آن جائی در دنیا داشته باشد. کمپین جهانی نجات سکینه محمدی با حمایت پرشور میلیونی در سطح جهان يك نمونه است اما آخرین نمونه نخواهد بود. سران رژیم و دست اندرکاران طرحهای سیاه جهانی کردن آپارتاید جنسی خود بهتر از هرکسی می دانند که این اقدامات تقلاها و دست و پا زندهای رژیمی است که به لبه پرتگاه رسیده و دنبال جائی است که دست خود را به آن بند کرده و چند صباحی سقوط نهائی خود را به عقب بیناندازد. زنان و مردم آزادیخواه و برابری طلب دنیا تا همین جا همبستگی پرشور و بیدریغی نسبت به مبارزات مردم ایران نشان داده اند و قطعاً نه تنها خود را بدهکار رژیم سنگسار و شلاق و آپارتاید نمی دانند بلکه کاملاً برعکس در زیر کشیدن این رژیم و پاک کردن دنیا از سیاهی ارتجاع آن و زیر کشیدن و محاکمه سران این رژیم بخاطر جنایتش علیه زنان مصممانه در کنار زنان ایران ایستاده اند. این تعرض جهانی به جمهوری اسلامی است که این حکومت را به تلاش مضحک برای تعرض متقابل و تشکیل مجلس جهانی زن گرفته است. مضحکه ای که فقط درماندگی این حکومت قرون وسطائی اسلامی را بیشتر جلوی

www.iransolidarity.org.uk

میشن فری ایران

www.missionfreeiran.org

کمیته بین المللی علیه اعدام

www.notonemoreexecution.org

کمیته بین المللی علیه سنگسار

www.notonemoreexecution.org

با امضای این قطعنامه از آن

حمایت کنید. لطفاً اسم یا اسم

سازمان (اگر از طرف يك سازمان

حمایت میکنید) خود را بنویسید و

به آدرس زیر ارسال کنید:

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (تقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

دادن به اعدام و سنگسار است.

ده اکتبر مناسبتی است که بار

دیگر دنیا در مقابل این بربریت در قرن

بیست و یکم قد علم کند و با صدای

بلند اعلام کند:

۱- اعدام در همه کشورهای جهان باید

فورا، قانوناً و عملاً ممنوع اعلام شود

و حکم همه محکومین به اعدام فوراً

لغو گردد.

۲- سنگسار وحشیانه ترین نوع اعدام

است که بخاطر رابطه جنسی خارج از

ازدواج توسط حکومت های اسلامی

صورت میگردد و باید بعنوان جنایت

علیه بشریت محسوب شود و هر

دولتی یا فرد و دسته و گروهی این

مجازات را اعمال کند مورد تعقیب

مراجع بین المللی قرار گیرد و در

دادگاههای بین المللی محاکمه شود.

کلیه محکومین به سنگسار باید فوراً

و بدون قید و شرط از زندانها آزاد

از صفحه ۱

پایانه علیه اعدام ...

و همینطور چشم درآوردن، بریدن دست و شلاق و شکنجه را هم بعنوان بخشی از قوانین قضائی حکومت اضافه کرد.

در پنجاه سال گذشته بسیاری از دولتها به مجازات اعدام پایان داده اند. جنبش رو به رشد علیه اعدام در جهان، عامل مهمی در جهت پایان دادن به این مجازات غیر انسانی و این جنایت دولتی است. يك سنگرم مهم و قدرتمند این جنبش، در ایران و در مقابل جمهوری اسلامی است که یکی از وحشی ترین حکومت های جهان است

و در ۳۱ سال گذشته بیش از صد هزار نفر، یعنی بطور متوسط سالانه بیش از ۳۰۰۰ نفر را اعدام و سنگسار کرده است که اکثریت بسیار بالای آنها زندانیان سیاسی بوده اند. به همین دلیل يك خواست مهم مردم ایران پایان

جامعه، و در نهایت حق بجانبی و خونردی، تصمیم به کشتن کسی میگردد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند. در جامعه ای که کشتن انسانها مطابق قانون مجاز باشد، هرگز نمیتوان جلوی تکرار همین عمل در میان اتباع جامعه را گرفت. اعدام خود يك رقم بزرگ در آمار قتل و جنایت است.

در کشورهائی مانند ایران، مخالفین سیاسی اعدام میشوند، هموسکسونل ها اعدام میشوند، کیفر ارتداد یا نقد مذهب اعدام است، حتی کودکان اعدام میشوند و مجازات رابطه جنسی "غیر مجاز" سنگسار یعنی جنایتکارانه ترین شکل اعدام است. به این لیست البته باید جنایاتی مانند کشتن از طریق پرتاب از بلندی،

در حاشیه اولین دادگاه ...

از صفحه ۱



بهروز مهر آبادی

دانشجویان همواره مورد حملات جمهوری اسلامی قرار داشته است. حمله وحشیانه ای به کوی دانشگاه در شب ۲۴ خرداد و در پی آغاز جنبش انقلابی مردم انجام شد، موجب زخمی شدن دهها نفر از دانشجویان گردید. حداقل پنج دانشجو در این حمله کشته شدند و ۱۷ نفر فقط بر اثر اصابت گلوله مجروح گشتند. نیروهای انتظامی در ساعات آخر شب رژیم کوی را به محاصره درآورده و با حمله به دانشجویان آنجا را در اختیار گرفتند. سپس به نیروهای لباس شخصی و انصار حزب الله اجازه ورود داده و ضرب و شتم و کشتار دانشجویان را آغاز کردند. در جریان این حمله شبکه ارتباط موبایل برای ساعتی در سراسر تهران قطع شد تا دانشجویان نتوانند خبر تهاجم را به بیرون از کوی دانشگاه اطلاع دهند. مهاجمان با زنجیر، چماق، چاقو، باتوم، نارنجک صوتی، گاز اشک آور، گلوله های پلاستیکی و ساچمه ای به دانشجویان بیدفاع حمله ور شدند. آنها را مورد شکنجه و آزار قرار دادند، اتاقها و وسایل آنها را غارت و ویران کرده و تعداد زیادی از دانشجویان را بازداشت و به شکنجه گاهها منتقل نمودند. تعدادی از بازداشت شدگان به زیرزمین وزارت کشور منتقل شده و در آنجا مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفتند. اخبار حمله به دانشجویان بلافاصله منتشر شد و اعتراضات وسیعی را برانگیخت. حکومت در تهاجم خود فرد یا افراد خاصی را در نظر نداشتند. حمله به همه ساکنین کوی دانشگاه انجام گرفت که تعدادی از فرزندان وابستگان به رژیم هم در بین آنها بودند و مجروح و مصدوم شدند. خبر این یورش خیلی زود در جامعه انتشار یافت و انزجار عمومی را برانگیخت. در بین نزدیکان به رژیم هم موجب بروز واکنش ها و اعتراضاتی شدید شد. آنها متوجه شدند که خدمت به رژیم هم موجبی برای مصون بودن از توحش اسلامی نیست. چند روز بعد از این حمله خامنه ای ناچار به محکوم کردن این تهاجم شد و در روز ۹ تیر سازمان

قضائی نیروهای مسلح اطلاعاتیه ای صادر کرد که در آن ورود نیروهای مسلح به کوی دانشگاه را بخاطر مقابله با آشوبگران اعلام کرد ولی حمله به دانشجویان را به عده ای افراد متفرقه و غیر مسئول نسبت داد. این اطلاعاتیه صریحا اعلام می کرد که در مقابل حمله افراد "متفرقه و غیر مسئول" به دانشجویان و کشتن و مجروح ساختن آنها، صدها پرسنل مسلح نیروی انتظامی بی تفاوت ایستاده و نظاره گر خاموش بوده اند. اما در ماه اسفند يك فیلم ۱۸ دقیقه ای در شبکه جهانی اینترنت منتشر شد که گوشه هایی از تهاجم وحشیانه به کوی دانشگاه و همکاری نزدیک نیروهای انتظامی، نیروهای ضد شورش و بسیجیان و لباس شخصی ها را نشان می داد. انتشار این فیلم موج تازه ای از خشم و نفرت نسبت به جمهوری اسلامی در سطح جهان برانگیخت. رژیم به هیچوجه نمی توانست نقش نیروهای مسلح خود را در یورش به دانشجویان کتمان کند. انجام چنین عملیات گسترده ای بر علیه دانشجویان بدون تائید خامنه ای و احمدی نژاد امکان پذیر نبود. در این فیلم مهاجمین از عزیزاله رجب زاده فرمانده این حمله نام می برند. همزمان با پخش این فیلم رجب زاده از فرماندهی نیروی انتظامی کنار گذاشته شد. سران حکومت اسلامی برای خاموش کردن اعتراضات و فشارها و میرا جلوه دادن خود ناچار به برگزاری دادگاه و محاکمه تعدادی از اوپاش حمله کننده به کوی دانشگاه شدند. احمدی مقدم فرمانده نیروهای انتظامی در مصاحبه ای در ماه خرداد گذشته بسیجیانی را مسئول حمله به کوی دانشگاه معرفی می کند که خودسرانه دست به این کار زده اند. اما تمام شواهد نشان می دهد که این حمله برنامه ریزی شده، با نظارت و تائید سران رژیم و با هماهنگی نیروهای سرکوبگر و اطلاعاتی رژیم بوده است. در فیلم انتشار یافته هماهنگی و همکاری بین نیروهای انتظامی و اوپاش لباس شخصی نشان داده می شود. قطع

شبکه تلفن همراه، حمله همزمان به خوابگاههای دانشجویی در اصفهان و شیراز و سکوت رژیم در روزهای اول پس از این یورش بخوبی گویای این امر است و همه کس این را میدانند. فقط پس از بالا گرفتن اعتراضات بود که نهادهای رژیم ناچار به موضعگیری شدند و بعد از انتشار فیلم این حمله وحشیانه بود که محاکمه عاملین آن مطرح گردید.

دادگاه حمله به کوی دانشگاه که از طرز رژیم تدارک دیده است همانگونه که انتظار میرفت نه دادگاه است و نه متهمان اصلی را مورد محاکمه قرار میدهد. و نه مردم منزجر از جمهوری اسلامی را خاموش می کند. ممکن است ماموران درجه پائین رژیم در این دادگاه محکوم شوند و یا در گیر و دار جدال های درونی خود ناچار شود تعدادی از خودی ها کنار گذاشته شوند. اما نفس برگزاری این نوع دادگاهها و نام بردن از مهاجمان حکومتی بنام "متهمان حمله به کوی دانشگاه" بیانگر قدرت مردم و وحشت حکومت است. این ها همچون مورد دادگاه متهمان کهریزک که اکنون قرار است مرتضوی را هم محاکمه کنند، ناچار شده اند خود را و مجریان سیاستهای رهبر جنایتکارشان را محاکمه کنند. و به جنایات حکومتشان اعتراف کنند. روشن است که هرچه فشار اعتراضات و خشم مردم بیشتر شود، حکومت هم ناچار میشود مهره های بیشتری را به محاکمه بکشد و از جلوی چشم کنار بگذارد. آنچه روشن است ابعاد این جنایات بسیار بیش از آن است که از همه جوانب آن در این دادگاههای کذایی جمهوری اسلامی پرده برداشته شود، و عاملان و آمران اصلی نیز کسانی مثل خامنه ای و احمدی نژاد هستند که نه در دادگاههای جمهوری اسلامی بلکه در دادگاههای علنی مردم به جرم بیش از ۳۰ سال جنایت محاکمه خواهند شد. *

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن: ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۱۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

مشخصات کانال جدید

کانال جدید را بر روی هات برد، فرکانس ۱۱۲۰۰

۵/۶ FEC، پلازیماسیون عمودی، سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

هر روز از ساعت ۲۲/۳۰ تا ۳۰ دقیقه بامداد به وقت ایران

در شبکه KBC ببینید.

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

SUNDAY, OCTOBER 10, 2010

WORLD DAY AGAINST THE DEATH PENALTY

COUNTRIES WITH THE HIGHEST NUMBER OF EXECUTIONS IN 2009:



Death is not justice.
SILENCE = DEATH

ICAS (LosAngeles.org), ICAC (France.noexecutions.org), IHR (usa.noexecutions.org), Iran Solidarity (www.iransolidarity.org.uk), Mission Free Iran (www.missionfreeiran.com), International Committee Against Execution (http://notonmoreexecution.org), actionforsakineh@gmail.com

International Committee Against Stoning
(http://stopstoningnow.com)

(Iran Solidarity www.iransolidarity.org.uk)

Mission Free Iran

(www.missionfreeiran.com)

International Committee Against Execution

(http://notonmoreexecution.org)

actionforsakineh@gmail.com

را در موقعیت قویتری برای پیشبرد مبارزاتشان قرار میدهد. امروز میلیونها کارگر و خانواده هایشان با معضل دستمزدهای پرداخت نشده، بیکارسازی، گرانی و فقر و فلاکت روبرویند. با مبارزات متحد خود و متحد شدن حول خواستههای سراسری خود و با خواست يك زندگي انسانی، تهاجمات کارگران و حکومت اسلامی شان را عقب بزینم.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ مهرماه ۱۳۸۹، ۱۷ اکتبر ۲۰۱۰

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع

توزیع کنید

۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام

مکان: Breitscheidplatz
برمن:
ساعت ۳ تا ۶ بعد از ظهر
در Marktplatz واقع در مرکز شهر
فرانکفورت: اطلاعات دقیق بعدا گزارش میشود
نروژ: اسلو
ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر
مکان مقابل پارلمان
بلژیک:
بروکسل- اطلاعات کامل بعدا گزارش میشود
نروژ- اسلو:
از ساعت ۱۴ در مقابل پارلمان نروژ
سوئد:
استکهلم
ساعت: ۳ تا ۵ بعد از ظهر
مکان: Sergels torg
آلمان:
برلین
ساعت ۳-۵ بعد از ظهر

مکان: Stora Torget
ویسبی:
ساعت ۲ بعد از ظهر
مکان: Ostercentrum
اوروبرو:
ساعت ۱ بعد از ظهر
مکان: Drottninggatan
انگلیس:
لندن
۱۹ اکتبر- ساعت ۱۲ تا ۲ بعد از ظهر
مکان: Trafalgar square
آمریکا:
واشینگتن دی سی: از ساعت ۱۰ تا ۲ بعد از ظهر
مکان:
outside the US supreme court
سان فرانسیسکو:
ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر

مکان: Breitscheidplatz
برمن:
ساعت ۳ تا ۶ بعد از ظهر
در Marktplatz واقع در مرکز شهر
فرانکفورت: اطلاعات دقیق بعدا گزارش میشود
نروژ: اسلو
ساعت ۳ تا ۵ بعد از ظهر
مکان مقابل پارلمان
بلژیک:
بروکسل- اطلاعات کامل بعدا گزارش میشود
نروژ- اسلو:
از ساعت ۱۴ در مقابل پارلمان نروژ
سوئد:
استکهلم
ساعت: ۳ تا ۵ بعد از ظهر
مکان: Sergels torg
آلمان:
برلین
ساعت ۳-۵ بعد از ظهر

۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) روز جهانی علیه اعدام، و روز دفاع از انسان و زندگی انسانی است. ده اکتبر روز اعتراض به قتل عمد دولتی است. روز اعتراض به جمهوری اسلامی بعنوان رکورددار اعدام در دنیا است. دولتی که بساط اعدامش را در مقابل هر اعتراضی میگستراند. دولتی که کودکان را به قتل میرساند و زنها و مردان را بطور فجیع و تکان دهنده ای سنگسار میکند. در روز ۱۰ اکتبر در سراسر دنیا در هر شهر و کشوری گرد هم آییم و صدای انسانیت را بر علیه حکومتها جانی به گوش تمام دنیا برسانیم. لیست تا کنونی آکسیونهای روز جهانی علیه اعدام: بلژیک، کانادا، آلمان، نروژ، سوئد، انگلیس و آمریکا
کانادا: تورنتو
ساعت ۱ تا ۳ بعد از ظهر
مکان:
Place: Intersection of Yonge and Dundas
آلمان:
برلین
ساعت ۳-۵ بعد از ظهر

ادامه اعتصاب و اعتراض کارگران کیان تایر

کردند. در این مجمع، کارگران تصمیم گرفتند تا پرداخت حق بیمه هایشان توسط کارفرما و ورود ۴۵ تن مواد اولیه همچنان به اعتصاب خود ادامه دهند و تصمیمات دقیق تر را به بعد موکول کردند. لازم است اشاره کنیم که در جریان این اعتصاب کارگران روز ۱۱ مهر در مقابل انتظامات کارخانه دست به تجمع زده و به عنوان اعتراض از خوردن غذای کارخانه خودداری کردند. زیر فشار اعتراض کارگران در این روز مدیریت ناگزیر از حضور در جمع کارگران شد و با دادن وعده و وعیدهای همیشگی تلاش کرد تا مانع تداوم اعتراض کارگران شده و آنها را مجاب کند تا کارخانه را تا روز چهارشنبه تعطیل کنند، اما کارگران قبول نکردند و به اعتراض خود ادامه دادند و مدیر را از کارخانه بیرون کردند.

دستمزدهای پرداخت نشده يك

کیان تایر بسازند. کارگران هیچکدام از این حالتها را نپذیرفتند و بر خواستههایشان پافشاری کردند. زیر فشار اعتراض کارگران به نمایندگان کارگران قول داده شد که این اقدامات صورت گیرد:
۱- بلافاصله ۵۰ در صد دستمزد شهریور ماه کارگران را به حساب آنها واریز خواهند کرد
۲- روز شنبه ۱۷ مهر ماه بیمه های عقب افتاده آنان واریز خواهد شد
۳- طی هفته آینده ۴۵ تن مواد اولیه برای ادامه کار به کارخانه وارد خواهد شد.
بنا گزارشها روز چهارشنبه ۱۴ مهر ۵۰ درصد دستمزدهای پرداخت نشده کارگران به حسابهای آنان واریز شد. کارگران برای پیگیری دیگر وعده های داده شده، همزمان اقدام به برگزاری يك مجمع عمومی بزرگ

بنا بر گزارش منتشر شده در سایت اتحاد (اتحادیه آزاد کارگران ایران) کارگران کیان تایر از روز شنبه ۱۰ مهر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها، و نپرداختن حق بیمه هایشان به سازمان تامین اجتماعی در اعتصاب به سر میبرند. در ادامه این حرکت اعتراضی روز دوشنبه ۱۲ مهر کارگران این کارخانه با برگزاری مجمع عمومی بار دیگر نمایندگان خود را برای مذاکره با "شورای تامین استان" و پیگیری خواستههایشان انتخاب کردند. بعد از نشست نمایندگان کارگران با اعضای شورای تامین استان تهران، به کارگران اعلام شد که یا برای مدت سه ماه به بیمه بیکاری متصل شوند تا تکلیف کارخانه معلوم گردد، یا تعطیلی کامل کارخانه را بپذیرند و یا با همین وضعیت موجود در کارخانه

اساس سوسیالیسم انسان است!

دستمزدهای پرداخت نشده، بیکار سازیها و اعتراضات کارگری

اعتراضات کارگران واگن پاریس اراک به دو سال دستمزد پرداخت نشده

روز ۱۳ مهر کارگران واگن پاریس اراک در ادامه اعتراضاتشان در اعتراض به دو سال دستمزد پرداخت نشده خود در مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع زدند. شرکت واگن پاریس در سال ۱۳۵۴ تاسیس گردید و شروع به ساخت انواع واگن های قطار کرد و در سال ۱۳۶۴ با سرمایه گذاری سازمان صنایع و نوسازی ایران به یکی از زیر مجموعه های این سازمان تبدیل شد. کارخانه شرکت واگن پاریس به مساحت ۳۳ هکتار و در شهر صنعتی اراک واقع شده است. شرکت واگن پاریس یکی از شرکت های بزرگ دولت بود که پس از واگذاری به بخش خصوصی، به بهانه ورشکستگی و بحران مالی ۲ سال است که حقوق کارگران این شرکت را پرداخت نکرده است. طی این دو سال کارگران تجمعات اعتراضی متعددی داشته اند.

تجمع کارگران روغن نباتی پاریس در اعتراض به نا امنی شغلی و نپرداختن دستمزدها

صبح روز ۱۴ مهر نزدیک به صد نفر از کارگران کارخانه روغن نباتی پاریس قو در اعتراض به نا امنی شغلی و وضع با تکلیف کاری خود در مقابل کارخانه دست به تجمع زدند. در این حرکت اعتراضی کارگران با چسباندن اعلامیهها و پارچه نوشتههایی بر در و دیوار کارخانه صدای اعتراض خود را بلند کردند. در رابطه با بیکار سازیها در این کارخانه، یکی از کارگران معترض به خبرنگار ایلنا، گفت: این کارخانه زمانی بیش از ۱۷۰۰ کارگر داشت که در حال حاضر تعداد آنها به حدود ۴۲۰ نفر کاهش پیدا کرده است. به گفته کارگران کارخانه پاریس همواره به بهانه بدهیها و بحران مالی، از پرداخت بمرور دستمزد کارگران و افزایش سطح آن سر باز زده و در این چند ساله مزایای دیگر شغلی آنها قطع شده و کارگران بسیاری از کار بیکار شده اند. اکنون کارگران روغن نباتی پاریس که با خطر تعطیلی کارخانه روبرویند، نگران از دست دادن کار خود و بیکاری هستند. کارگران روغن نباتی پاریس قو از پنجم مهرماه اعتراضات خود را شروع کردند و اعلام داشتند که تا رسیدن به خواسته هایشان به

تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد. کارخانه روغن نباتی قو تهران مانند بسیاری دیگر از رشته های صنعتی دچار افت شدید تولید شده است و در خطر ورشکستگی قرار دارد. این واحد تولیدی در حال حاضر با ۲۰ تا ۳۰ درصد ظرفیت قبلی تولید کارخانه کار میکند. این شرکت تحت مالکیت بنیاد شهید قرار دارد. مدیران شرکت هنوز پاسخ روشنی راجع به این وضعیت ناسامان به کارگران نداده اند. بنا به اخباری که به کارگران رسیده است، دستمزد کارگران از محل فروش املاک شرکت تامین میشود و کارخانه بحال تعطیلی و رکود در آمده است. خطر بیکاری جدی کارگران را که اغلب سابق بیمه ای بالای پانزده سال دارند تهدید میکند. از ۴۲۰ کارگر این کارخانه ۳۷۵ نفر آنان رسمی و باقی قراردادی هستند.

کارگران مخابرات راه دور ۱۶ ماه دستمزد و مزایای خود را طلب دارند

۱۶ ماه است که به کارگران مخابرات راه دور دستمزد و دیگر مزایای شغلی شان پرداخت نشده است. در اعتراض به این موضوع این کارگران بارها و بارها دست به تجمع زده اند، اما همواره آنها را سردوانده و پاسخی داده نشده است. بهانه آنها برای عدم پرداخت دستمزدها، وضع بحرانی و به تعطیلی کشیده شدن کارخانه است. مقامات دولت در مقابل اعتراض کارگران قول راه اندازی مجدد کارخانه را داده اند. با تصویب اینکه مسولان وزارتخانه های صنایع، ارتباطات، دفاع و نفت موظف هستند تا نیازهای الکترونیکی و مخابراتی خود را با سفارش دادن به این کارخانه تامین کنند، کوشیده اند کارگران را در انتظار نگاهدارند. اما وضع کارخانه هر روز بدتر و بدتر میشود. در همین ماه گذشته بود که نام این کارخانه از لیست متقاضیان شرکت در یکی از پروژه های وزارت ارتباطات حذف شد و کارگران بیش از پیش متوجه دروغین بودن وعده های داده شده گردیدند. کارگران خواهان پرداخت فوری تمام طلبهایشان هستند.

بحران کارخانه ربطی به کارگران ندارد. کارگران کار کرده اند و کارفرما دستمزد آنها را به جیب زده است. دستمزد کارگران باید بدون هیچ عذر و بهانه ای فوراً و فوراً پرداخت شود. در این کارخانه ۷۰۰ کارگر به کار اشتغال

هزاران نفر در استکهلم، گوتنبرگ، مالمو و چند شهر دیگر علیه راسیسم دست به اعتراض زدند

امروز همزمان با شروع کار پارلمان سوئد و در حالی که حزب راسیستی و نژادپرست دمکراتهای سوئد به مجلس راه یافته است، هزاران نفر در سه شهر عمده سوئد استکهلم، گوتنبرگ، مالمو و همچنین چند شهر دیگر نظیر هلسینگبوری علیه راسیسم دست به اعتراض زدند. در این اعتراضات که به ابتکار شبکه های فیس بوکی و دخالت فعال جوانان برگزار گردید، سخنرانی های پرشوری در مخالفت با راسیسم، رابطه آن با



دارند. دستمزد پرداخت نشده مساله بخش عظیمی از کارگران در ایران است و موضوع و مساله ای سراسری است. بیکار سازیها نیز مساله کل کارگران است. حتی کارگرانی که شاغل هستند در فضای بیکار سازیها در نا امنی شغلی بسر میبرند. با این فشارها و تعرضات فقر و فلاکت دامن میلیونها کارگر و کل جامعه را گرفته است. اعتراض علیه همه این ها مبارزه ای سراسری میطلبد. باید سراسری متحد شد و دستمزد های پرداخت نشده را از حلقوم این جانان دزد بیرون کشید. باید سراسری متحد شد و با اعتصابات همزمان و سراسری خود در همه شهرها جلوی تهاجمات و بیکار سازیهایشان را گرفت. باید سراسری متحد شد و با خواست زندگی انسانی حق مسلم ماست و خواست فوری افزایش دستمزدها بساط طرح یارانه ها و پیاده کردن برنامه های ریاضت اقتصادی شان را بر هم ریخت. به کارگران دستمزد نمیدهند و هر روز خبر جدیدی از دزدی های میلیاردی شان برملا میشود. آخرین خبر برملا شده از دزد هایشان اعطای ۵۰ میلیارد دلار وام به صد نفر از خواصشان بود. با این ۵۰ میلیارد دلار میتوان براحتی حقوق پرداخت نشده، کارگران مخابرات راه دور، روغن نباتی قو، واگن پاریس اراک و همه کارگرانی که دستمزد هایشان پرداخت نشده را پرداخت کرد. با این پول عظیم و همه دزدی های دیگرشان میتوان سطح دستمزد کارگران را در سطح یک زندگی انسانی بالا برد، همه کارگران بیکار را زیر پوشش بیمه بیکاری مکنی قرار داد و طب و درمان و بهداشت و تحصیل را رایگان کرد. با این پولها و هزینه های کلاتی که صرف موسسات سرکوب و مذهب و زندانهایشان میشود، میتوان جامعه ای پر از رفاه و شاد ساخت. باید متحد و یکپارچه بلند شد و بساط این جانان فاسد و دزدان سرمایه دار را در هم کوبید. این تنها راه نجات کارگران و کل جامعه است.

آزادی برابری حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ مهرماه ۱۳۸۹، ۱۷ اکتبر ۲۰۱۰

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

وضعیت بیمارستانها و ...

از صفحه ۱



شهلا دانشفر

برای ساعاتی، بخش‌های بیمارستان‌ها از حضور پرستار خالی شود.

- دستمزد پرستاران نسبت به سال گذشته ۱۳۰ هزار تومان کاهش یافته است.

- ۵۰ درصد پرستاران ایران به علت فشار فراوان کار به بیماری‌هایی همچون آرتروز گردن، آرتروز کمر و بیماری‌های جسمی و روانی مبتلا هستند.

- دکترها و پرستاران برخی از این بیمارستان‌ها به گاز اشک‌آور، شوکر الکتریکی و تجهیزات برای دفاع از خود مجهز شده‌اند.

- سومین حمله به یک پرستار در مشهد توسط یکی از بیماران بستری و خرد شدن بینی او

- روز سه شنبه ۱۳ مهر ماه یک بمب صوتی در مقابل درب ورودی بیمارستان "القدیر" حوالی میدان رسالت در تهران منفجر شد.

بسیاری از پرستاران بیمارستان امام خمینی به دلیل "بدحجابی اخراج شدند"

.....

واقعا اینجاست کجاست؟ در این جامعه دارد چه میگذرد؟ بیحرمتی به انسان و فشار به انسانها تا کجا؟

بیماری را که زیر فشار درد رنج میبرد را بدون دکتر و تسهیلات در چنین جهنمی رها میکنند و بعد یک پرستار را میگذرانند که پاسخ یک بخش را یک تنه بدهد و آوقت بیماری که از این وضعیت خشمگین است، خانواده

نمود. لاریجانی و معاون مجلس ابوترابی در ماه شهریور ملاقاتی در این باره با خامنه ای ملاقات کردند و با میانجیگری رهبر، دولت تقاضای استرداد لایحه را پس گرفت و یک کمیته مشترک ۶ نفره از دولت و مجلس برای حل اختلافات این دو نهاد تشکیل گردید. اما جدالها ادامه یافت و بالاخره روز ۱۰ مهر دولت با آکراه و با یک نماینده در جلسه این کمیته شرکت کرد. مجلس و کمیسیون ۵۱ نفره اش کار خود را تعطیل کرده و منتظر نتیجه کار این کمیته هستند.

از این کمیته نمی توان انتظار زیادی داشت. شکاف‌ها عمیق تر از آن است که سازشی پایدار بتواند انجام شود. باید منتظر بالا گرفتن دعوای بر سر برنامه پنجم حکومت اسلامی بود. این دعوا فقط ناشی از اختلافات منافع باندهای حکومتی نیست. مشکل اساسا این است که رژیم برای هفته و حتی روز بعد خود نمی تواند برنامه ای داشته باشد. هیچ کنترلی بر اوضاع ندارد. در هر استان، هر شهر، هر اداره، نهاد و مرکز قدرت باندهای مافیائی هستند که به غارت و چپاول و بگیر و ببند مشغولند و خر خودشان را می رانند. این را هر ناظری می تواند از اوضاع ایران دریابد. حکومتیان بهتر از هر کس می دانند برنامه پنج ساله شان حتی در صورت تصویب به مرحله اجرا در نخواهد آمد.*

هایشان، ابعاد این توحش و جنایت را چندین برابر بیان میکنند. یک قلم همین دزدی اخیرشان، اعطای ۵۰ میلیارد دلار به صد نفر از خواص را مقابل خود بگذاریم، با این پول میشود کل درمان و بهداشت را رایگان کرد و حقوق کافی و مکفی و انسانی به پرستار پرداخت کرد و استانداردی انسانی و مدرن بر درمان و بهداشت جامعه حاکم کرد. کیست که این تصویر را ببیند و فریاد نزند که زندگی انسانی حق مسلم ماست. کیست که این تصویر را ببیند و آرزوی جامعه ای آزاد و برابر، جامعه ای پر از رفاه و شادی، جامعه ای سوسیالیستی در قلبش نقش ننهد. پاسخ روشن است باید این حکومت دزدان سرمایه دار را به زیر کشید و به این توحش حاکمان سرمایه پایان داد و به جایش جامعه ای ساخت که حرف اول را انسانیت میزند.*

وکیل و ارائه دادخواست خود نیبستند. بر اساس این گزارش، ماموران شهرداری از ابتدای امسال چند خانه را در این منطقه تخریب کردند و کنار دیوار چند خانه، درخت‌های کهنسال کاشتند تا با ریشه دواندن درخت، دیوار خانه تخریب شود. ساکنان بسیار فقیر این منطقه در اعتراض به تخریب خانه‌ها بارها مقابل شهرداری مشهد تجمع کرده‌اند. ماموران شهرداری به‌همراه ماموران نیروی انتظامی هفته گذشته بار دیگر به این خانه‌ها حمله کرده و ده خانه را روی اساسیه ساکناناش تخریب کردند. ماموران نیروی انتظامی تعدادی از ساکنان را که به این اقدام اعتراض می‌کردند بازداشت کرده و پس از اخذ تعهد در کلاترئی، آزاد کردند. از هفته گذشته تا کنون به ساکنان این منطقه اعلام شده که در صورت برگزاری هرگونه تجمعی با آنها برخورد شده و بازداشت می‌شوند. ساکنان فقیر رباط طرق، در صورت تخریب خانه‌هایشان هیچ جایی برای زندگی ندارند و خانواده‌هایی که خانه‌هایشان تخریب شده نیز آواره شده‌اند.

ای که جان عزیز خود را در خطر میبیند، خشمش را بر روی پرستار بیچاره خالی میکند. و این وسط دماغ پرستار است که له میشود. حالا این جانیان به جای اختصاص دکتر و امکانات درمانی انسانی در بیمارستانها، به جای درمان و بهداشت رایگان و متناسب با استانداردهای امروز بشری، دکتر و پرستار را به کلاه خود و شمشیر مجهز میکنند که جانشان در امان باشد! دستمزد ناچیز پرستار را که همیشه زیر خط فقر بوده است، کاهش میدهند، قوانین آپارتاید جسمی شان را در بیمارستان‌ها نیز حاکم کرده و پرستاران را زیر فشار هر روزه اوپاش حزب الله شان قرار میدهند و وقتی اعتراض میکنند، خس و خاشاکشان میخوانند و جدید هم اشاره شان به "فتنه گران اقتصادی" است. واقعا شرم بر این حکومت. نگاهی به این وضعیت و ابعاد نجومی دزدی

تجمع اعتراضی مردم گچساران
در پی بالا رفتن قیمت آب مصرفی شهرهای مختلف ایران، روز دوشنبه ۵ مهر، در شهر گچساران در مقابل اداره آب یک تجمع اعتراضی برگزار شد. درحالی که مصرف ۲ ماه خانگی به ۳۰۰۰ تومان نمیرسید، اکنون با اعمال تعرفه جدید این مبلغ برای هرماه به بیش از ۱۵۰۰۰ تومان رسیده است و این امر اعتراض بسیاری از مردم را به همراه داشته است.

تجمع اهالی رباط طرق مشهد در اعتراض به تخریب خانه‌ها

اهالی روستای رباط طرق مشهد در اعتراض به تخریب شبانه ۱۰ واحد مسکونی مقابل مجلس تجمع کردند. ماموران شهرداری ناحیه ۷ شهرداری مشهد روز سوم مهر ماه، ۱۰ واحد مسکونی این روستا را شبانه تخریب کردند. بیش از شصت خانواده فقیر از سال‌ها قبل و پیش از وصل شدن رباط طرق به محدوده شهر مشهد، در این منطقه خانه‌هایی ساخته و زندگی میکنند. اما این خانواده‌ها به دلیل فقر شدید مالی حتی قادر به گرفتن

معضل "برنامه پنجم" حل شدنی نیست

بهرروز مهر آبادی

طلسم برنامه پنجم جمهوری اسلامی باز نمی شود. دو سر لحاف پاره برنامه پنجم را مجلس اسلامی و دولت گرفته و می کشند و معلوم نیست پس از این کشمکش‌ها چه چیزی با عنوان برنامه می خواهند در مقابل مردم بگذارند. در دی ماه ۸۷ خامنه ای در نامه ای به احمدی نژاد "سیاستهای کلی برنامه پنجم توسعه" را به او ابلاغ کرد. لایحه این برنامه با تاخیر فراوان در فروردین ماه امسال و بعد از غرولندهای فراوان مجلسیان از طرف دولت به مجلس ارائه شد. و در حالی که هیچ برنامه ای برای اداره مملکت وجود نداشت مجلس برنامه چهارم را یک سال دیگر تمدید کرد تا مانع بهم ریخته شدن بیشتر اوضاع گردد. احمدی نژاد که ظاهرا واکنش مجلس را پیش بینی می کرد در موقع ارائه لایحه برنامه پنجم از مجلس خواست که آن را دوباره نویسی نکنند. مجلس هم کمیسیونی بنام "کمیسیون تلفیق" با ۵۱ عضو را برای بررسی این لایحه درست کرد و دست به تغییرات کلی در آن زد. این لایحه با انتقاد اتاق بازرگانی و باند عسکر اولادی روبرو شد و احمد توکلی نماینده مجلس اسلامی گفت: لایحه برنامه پنجم طبق منطق قابل دفاع نیست و دولت باید از ابتدا



برنامه اصولی می نوشت. بخش مهم لایحه ارائه شده به کلی گویی در مورد سیاست‌های مورد نظر دولت پرداخته و به ارقام و اعداد اشاره ای نشده است و می تواند نشانه سردرگمی و نداشتن چشم انداز و امید به آینده باشد. در عین حال دولت با عدم ارائه ارقام و آمار می‌خواهد دستش در اختصاص منابع و پولها و ثروتها و بودجه‌ها باز باشد تا به هر کس که هرچقدر خواست اهدا کند. مجلسی‌ها هم دقیقا به همین دلیل که می‌خواهند سر شرکای اقتصادی شان بی کلاه نماند و در دادن پولها به نفع دولتی‌ها باند بازی نشود روی ارقام و اعداد اصرار دارند. بهروز موارد زیر را می‌توان از مباحث مهم این لایحه بازگو کرد: افزایش بودجه مساجد و ایجاد تسهیلات و امکانات فراوان برای اماکن مذهبی، بیشتر اسلامی کردن متون درسی، افزایش قدرت بسیج، کاهش خدمات به بازنشستگان، حذف یارانه‌ها، واگذاری اداره سازمانها به دولت. در این برنامه برخلاف برنامه‌های قبل رژیم گزارش به رهبری حذف شده است.

بدنبال تغییرات فراوان در این لایحه از طرف مجلس دولت در اواسط شهریور تقاضای استرداد لایحه را

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!